

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه دوم اسفند ماه ۱۳۲۱

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور در برنامه دولت آقای سهیلی
- ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف کارپردازى مجلس
- ۴ - بقیه شور در برنامه دولت و تصویب آن
- ۵ - تصویب گزارش کمیسیون بودجه و خارجه و فرهنگ راجع بتجدید استخدام آقای پرفسور ابرین
- ۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و نیم پيش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز ۲۸ بهمن ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - طرح و تصویب برنامه دولت آقای سهیلی]

رئیس - برنامه دولت مطرح است . آقای روحی

فریادولی - بنده قبل از دستور عرض لازمی داشتم

عده از نمایندگان - دیگر گذشت . وارد دستور شدیم

روحی - عرض کنم نظامنامه مجلس دارای يك تقیصه

است و آن این است که در موقع طرح برنامه دولت برای تذکراتی که ممکن است نمایندگان بدولت بدهند و ذهن دولت را روشن کنند مجالی برای بسخس جز بعنوان مخالف باقی نگذاشتند و حال آنکه عنوان تذکر است و مخالفت نیست و این تقیصه در نظامنامه داخلی مجلس است . عرض کنم البته آقایان میدانند که نماینده فقط در دو مورد میتواند ذهن دولت را روشن کند و متوجه بقضایا بکند یکی در برنامه دولت است و دیگری در مورد بودجه . و من میخواستم

* * عین مذاکرات مشروح یکصدوسی و چهارمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * * * اسمای غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائب با اجازه - آقای فاطمی ؛

غائبین بی اجازه - آقایان ؛ ملصف - مرآت اسفندیاری - هرهری - شه دوست - ارگانی - مشیردوانی - امیر ابراهیمی - شجاع - دبستانی - آصف - سلطانی - صادق وزیري - شاهنگ - اردبیلی - کامل ماکو ، دیر آمدگان بی اجازه - آقایان ؛ مسعودی خراسانی - اکبر نیکپور ؛

عرض کنم اگر من همکارانم این جا يك تذکرانی میدهم صرفاً برای این است که فقط نوجهات دولت را جلب کنیم بالنسبه بيك قضیه ای که باید نسبت با آنها توجها و اهمیت بیشتری مبذول گردد تا رفع بکرشته بیچارگی از مردم و از جامعه بشود (صحیح است) و الا مخالفت نیست.

قسمت اول عرایض بنده در درجه اول راجع این وضعیت گرانی کشور است آقای نخست وزیر و سایر آقایان وزراء باید توجه داشته باشند که پایه زندگی در این کشور بجائی رسیده است که بنده نمیتوانم آنرا تشریح کنم آقایان: ما بالاخره جزو طبقات متوسط این کشور هستیم و وضع مان این است حالا آن طبقه پائین تر چه میکنند و در حقیقت چطور گذران میکنند این برای بنده و همه مجهول است - (صحیح است) مخصوصاً کارمندان دولت و آن کسانی که از خزانه دولت و از صندوق دولت اعاشه میکنند امروزه بدبخت ترین طبقات مردم این کشور را تشکیل میدهند (صحیح است) زیرا که بالاخره کاسب یا تاجر يك متاعی دارد میخرد و گران تر می فروشد هر قدر زندگی گران تر شد او هم بر قیمت متاع و کالای خودش می افزاید ولی آن بیچاره که يك بودجه محدود و معینی دارد این نمی تواند زندگانی کند و بودجه او تکافوی این زندگی گران و طاقت فرسا را نمی کند (صحیح است) و با این ترتیب تصور میکنم که اگر يك قدر پاکی و تقوایی هم در میان آنها بجا مانده است با این وضعیت قهراً از بین خواهد رفت (صحیح است) و این وضع مردم را آقا به بدکاری و تبهکاری وادار میکنند و این برخلاف آن چیزی است که مجلس شورای ملی و دولت در نظر دارد و عکس آن بعمل خواهد آمد زیرا که از قدیم گفته اند که شکم گرسنه ایمان ندارد. علاج هم ندارد جز اینکه دولت یکی از کارهای مهمش این باشد و توجه خودش را باین قسمت مبذول دارد که فکری عاجل برای این مردم بکنند این راهم نا گفته نگذارم که این راهی را که تا حالا پیموده اند راهی نیست که بتواند رفع نگرانی از جامعه بکنند بایستی يك

فکر نوینی بکنند بایستی يك کاری بکنند که این اصول کهنه که ما داریم که سل بدوازده مئه بآن عمل میکنیم این را از بین ببرند والا اگر بخواهیم روی این اصول کهنه کار بکنیم روز بروز بر بدبختی مردم مخصوصاً بر بدبختی کارمندان دولت و آتھائی که از خزانه کشور حقیقتاً عا شه میکنند افزوده خواهد شد زیرا اینها بیچاره تر و پریشان روزگار تر و بدبخت تر میشوند و این امر يك توجه خیلی عاجلی لازم دارد ملاحظه بفرمائید پس فردا شب عید است. عید نوروز که سه هزار سال است بیادگار از نیاکان ما باقی مانده است و مل با آن احترام میکنیم ولی من فکر می کنم که این مردم گرسنه اگر بخواهند واقعا برای اطفالشان يك مژ پاره مناسب یکمتر چیت بخرند در این سال نو چطور میتوانند این کار را بکنند این قضیه خیلی مهم است آقا و باید به بینید و توجه کنید و طرز کار را عوض کنید و چاره برای آن بیندیشید بلکه بتوانید علاچی برای آن پیدا کنید (صحیح است) عرض دوم بنده مسئله مازاد است همه میدانید که بحدی راجع بمازاد ما در سال گذشته بدعمل شد و بحدی در اینکار سوء استفاده شد که حدی بر آن متصور نیست و نتوانستند آن مامورینی که برای اینکار معلوم شده بود بدخوب کار بکنند بنده صریح عرض میکنم رفتند و جیب خودشانرا پر کردند و انبارهای دولت را خالی کردند و باور کنید میلیونها سوء استفاده شد بنده مکرر گفتم و بوزرای وقت تذکر دادم به آقایان نخست وزیران عرض کردم يك هیئت بازرسی بفرستند به بینند که اینها چقدر و چطور سوء استفاده کرده اند چهار نفر را بفرستید تحقیق و بازرسی کنند تا دیگر این کار را نکنند ملاحظه بفرمائید الان هنوز نه حاصل بدست آمده نه محصولی وجود دارد بنده صریح عرض میکنم اگر در این کار چاره نیندیشید پس فردا بدبختی کشور بیشتر خواهد شد ملاحظه کنید آیا واقعا سزاوار است که سال نو هم ما باین بدبختی زندگی کنیم و این زندگانی عادی ما باشد؟ این قابل تحمل نیست آقا این زندگانی خوبی نیست آقا (صحیح است) باید

در آن در این باب اقدام کند بنده کار بجای دیگر ندارم کرمان امثال میزقم در کرمان يك دهات خورده مالک هست آقای مؤید و آقای هاشمی و آقایان دیگر میدانند در این خورده مالکها بيك دودانگه پانزده خروار داده و دودانگه چهار خروار داده. ملاحظه میفرمائید؟ اینها را باید بهش توجه کرد و جاو گیری کرد و اصلاح کرد (صحیح است) ما بایستی واقعا تسلیم بشویم باعمال زشت مأمورین تبه کار و بدکار دولت و همینطور نشینیم و چاره نیندیشیم. از حالا سالم خری و سلف خری پیش خری و این کارهایی که بضرر دولت و ملت و کشور است شروع شده و در جریان است (صحیح است) این چیزها را باید دولت متوجه باشد ما از دولت هیچ چیز نمیخواهیم جز اینکه دقیقاً باین امور متوجه باشند و مردم را پیر نگاه دارند چیزی که ما توقع داریم همین است ولی با این روش و رویه باز بنده میترسم سال نومان بدتر از امسال باشد و همینطور قحط و غلا و بدبختی در جامعه فراوان باشد و این صلاح نیست و نباید گذاشت مردم از گرسنگی بمیرند و بعقیده بنده اگر جلو گیری و اقدام نشود هر کس که از گرسنگی بمیرد در درجه اول دولت و مجلس شورای ملی بعقیده بنده مسئولند چرا؟ برای اینکه باید توجه بیشتری در این قسمت مبذول دارد این نسبت بمازاد محصول سال آینده بود.

عرض دیگر بنده راجع بسوزارت خواربار است عرض کنم که دولتها نباید کارهایی که در پیش از آنها شده است بگویند این اعمال مل گذشته است و بما مربوط نیست این صحیح نیست. من میگویم آقا باید رسیدگی کرد و تحقیق کرد تعقیب کرد تا معلوم شود مثلاً میگویند این پانصد میلیون ریال اعتباری که بوزارت خواربار داده شده این پول از بین رفته باید دید کجا رفته اگر جنس خریده اند و فروخته اند باید باز این پول برگردد بصندوق دولت اگر اعانه بیکی داده اند آن را هم اعلام بکنند بگویند و الا پانصد میلیون ریال که نباید بکمر تبه از بین برود بوزاری که بنده شنیدم در آخرین ساعتی که آقای نخست وزیر باین

کار معین شده اند مراجعه کرده اند بمقام نخست وزیر که ما پول نداریم و اگر تا فردا پول بما ندهید کار ما معطل میماند این هم طرز نان دادنشان بمردم است بعد ازانکه آن پانصد میلیون ریال از بین رفته است این هم وضعیت افراد و گرسنگی مردم است که می بینید بنده استدعا میکنم که در این کار يك رسیدگی شود و حتی بجامعه در روزنامه ها و بمجلس شورای ملی يك صورت زبان دار صحیحی بدهند از این پول که معلوم شود وزارت خواربار آنرا چه کرده و بچه مصرف رسانده است این البته بنده و همکاران بنده بنوبه خودمان منتظر هستیم. عرض دیگر بنده يك قسمتی است که بنده شنیده ام شاید حالا تردید کند ولی در هر حال باید تحقیق بشود و آن این است که شنیده میشود فرشهای وزارت خواربار را فروخته اند و بجایش زیلو خریده اند. البته اطلاع دارید که دولت آنچه را که میخرد باید بمناقصه بخرد و آنچه را میفروشد باید بمزایده بفروشد و مورد فروش فرشهای وزارت خواربار میگوبند بدوازده هزار تومان فروخته اند و جایش زیلو خریده و انداخته اند البته در جائی که جمعیت زیاد است آمد و رفت زیاد است فرش زود خراب و فاسد میشود ولی این فرش اگر نماند فروخته شود باید بمزایده فروخته شود برای چه اینها را بدوازده هزار تومان فروخته اند؟ کی فروخته است این خلاف قانون از چه راه مانده است؟ و من توجه دولت را باین موضوع جلب میکنم و باید توجه بشود بر ارض من تا در آتیه محتاج نشوم سؤال بکنم و استدعا میکنم این موضوع را تحقیق و توجه بفرمائید که چرا برخلاف قانون رفتار شده و چرا مزایده فروخته شده و این عمل خلاف قانون را کی مرتکب شده است؟ عرض دیگرم این است: بيك نفر اراشخاص پس محترم که شخص آقای نخست وزیر و اگر اسم ببرم همه آقایان وزیران او را می شناسند و وقت عشا با این فردا آمدند و رفتند است میگفت من از وزارت خواربار تفضی کرده شدم کبسه شکر از شیراز بخوران بدارم برای تسهیل کار و تسکین

من این اظهار را کردم استیحا ش کردند گفتند که بهیچوجه نمیشود و باید شکر هر محل در همان محل مصرف شود و نمیشود حمل شود ما اگر از آن طرف بیاوریم باید از این طرف با آنجا حمل کنیم و این برخلاف قانون و سود و صرفه دولت و مردم است و ما هرگز این کار را نخواهیم کرد بعداً همین وزارت خواربار دو هزار کیسه شکر از شیراز اجازه دادند و وارد کردند حالا چقدر در این کار سوء استفاده شده است چه عرض کنم از هر کیسه سیصد چهارصد تومان استفاده شده است آنها را یاد داشت کنید اینها را پیرسید بگوئید بیایند اینجا جواب بدهند. چرا این عملیات در این وزارتخانه میشود؟ چرا باید بشود؟ و چرا نباید جلوگیری بکنند؟ الا آن که می شنود باید جلوگیری کنید اگر حقیقت دارد مرتکب را مجازات کنید محاکمه کنید که چرا این اشخاص این کارها را میکنند؟ اگر حقیقت دارد مرتکب را بجامعه بمجلس معرفی کنید بدهید بداد گاه تا بکیفر برسد. يك همچو سوء استفاده و سوء نیتی در يك همچو موقعی که کشور دچار بدبختی شده است چرا باید بشود؟ چرا این عملیات خلاف قانون تا این پایه نسبت بیک جامعه فقیر و بدبختی باید بشود؟ (صحیح است) یکی دیگر از عرایض بنده موضوع وزارت بهداشتی است اتفاقاً در کارهای ما در این کشور رعایت تناسب کار بهیچ وجه نمیشود و همه اش مبتنی بر يك اغراض شخصی است همه مطلع هستند که وزارت بهداشتی از نظر کار دادن بیک نفر ایجاد شد و این پست اینچنین جعل شد. همه میدانید کشوری که دارو ندارد و مسائل حمل و نقل ندارد در يك همچو موقعی چه ضرورت داشت که وزارت بهداشتی داشته باشیم حقیقتاً؟ اگر ما بیمارستانهای مختلف و متنوع در کشور داشتیم انواع و اقسام بیماریهای واگیردار سرباً از هر طرف بما رو کرده بود مقتضی این بود که وزارت بهداشتی تأسیس بشود بنده عرض میکنم که البته احتیاج داریم وزارت بهداشتی ولی نه در این موقع که نه دا و داریم و نه وسائل باربری. این وزارتخانه در هر صورت ایجاد شد نتیجه اش چه شد؟ الان چندین ماه است

از عمر این وزارتخانه که دارای شش نفر مدیر کل است و چهل نفر دکتربشت سرهم در توی این اطاقها نشسته اند میگذرد و ابداً يك کار هم انجام نداده اند (صحیح است) يك دینار فایده ندارد سر بار جامعه هم شده است و ابداً سودمند واقع نشده است آنوقت ملاحظه بفرمائید در گمره گلپایگان خوانسار نهند ملایر تویسرکان و این قسمتها دو نفر طبیب دیپلمه پیدا نمیشود دو نفر هم نیست

دکتر سنگ - چرا نیست آقا. هست.

روحی - نه خیر. نیست آقا. نیست. دو نفر هم نیست در این جای خودتان در تویسرکان در نهند معرفی کنید اگر هست بگوئید دو نفر طبیب دیپلمه هست؟ ...

عده از نمایندگان - صحیح است آقا. نیست.

روحی - بلی نیست آقا اینها را که میگویم دلیل دارم بیخود که عرض نمیکنم ...

دکتر سنگ - چرا. نیست آقا.

روحی - سند دارم. حالا شما از نظر همکاری میفرمائید هست بنده عرض میکنم اطلاع دارم که نیست بنده از نظر جامعه و از نظر مردم عرض میکنم و میگویم نیست حقیقتاً نیست آقا (صحیح است) يك طبیبی که مسئول وزارت بهداشتی باشد در سراسر کشور نیست. اداره گمرک الان هم بزرگیش وهم اهمیتش بیشتر است خوب بایک مدیر کل اداره میشود خوب چه ضرورت دارد که در این موقع برای اینکه می خواهیم بیک نفر يك کار بدهیم این بدبختی را برای کشور درست کنیم که کارش باین فضاحت برسد که من شرم دارم در اینجا عرض کنم که چه شده است (صحیح است) و چه کثافت کاری کرده اند در آنجا (صحیح است) بلکه آقای اردلان بتوانند این کار را سر و صورتی بدهند چون بنده بلیاقت و کفایت ایشان حقیقتاً يك ایمان و اعتقادی دارم بلکه ایشان بتوانند این جارا سر و صورتی بدهند والا باز هم بهمان عقیده خودم باقی هستم که اصلاً در این موقع چه ضرورتی دارد که ما وزارت بهداشتی داشته باشیم؟ ... (همه نمایندگان - خیر خیر لازم است)

افشار - چرا آقا ضرورت دارد لازم است ...
روحی - بنده خودم اول طرفدار بهداشتی هستم بنده میگویم باید کشور ایران گلستان بشود ولی شما که امروز يك اتومبیل يك کامیون ندارید که دارو بیک نقطه از کشور بفرستید خجالت آور است ...

شما الان قند در کارخانجات نان هست ولی وسیله ندارید بفرستید بتهران و نمی توانید حل کنید

دکتر سنگ - شما دارو بخرید برای مردم طبیب بی دارو نمیشود. این حرفها چیست؟

روحی - این را آقا باید يك فکری برایش کرد ما این پول را نباید بدهیم باین افراد بخورند و بنشینند آن جا این پول باید صرف مردم بشود باید يك چاره در این کار اندیشید که این پول صرف جامعه بشود الان می بینیم آبله و سرخچه و سایر امراض سرتاسر کشور را فرا گرفته است چه اقدام از طرف وزارت بهداشتی شده است؟ هیچ. این جور بدرد نمی خورد آقا. اینطور نمیشود آقا. یکی دیگر از عرایض بنده موضوع باربری است این را می توانم بطور قطع عرض کنم مکرر هم در این جا در ادوار مختلفه که افتخار سمت نمایندگی را داشتم عرض کردم و گفته ام در درجه اول کشور امنیت میخواهد بعد باربری و حمل و نقل و بعد چه و چه و چه زیر این دو قسمت امنیت و حمل و نقل سلسله اقتصادیات و رشته اقتصادیات کشور را هم می پیوند (صحیح است) و هر کشوری که اقتصادیاتش لنگ بشود تمام جریانش لنگ میشود این حاجت بگفتن ندارد (صحیح است) و من مترصد بودم در برنامه دولت از باربری هم عنوانی باشد که بما نوید بدهد که يك تسهیلاتی در امر حمل و نقل فراهم کرده اند ولی اتفاقاً هیچ ندیدم بنده این قسمت را باین عرض کنم که ما يك قسمت چیزهایی است که خودمان در داخله می توانیم حل کنیم ولی يك قسمت هم هست که باید با متفقین خودمان حل کنیم این قضایا را و ما هر نوع کمکی که بمتفقین و متحدین خودمان میکنیم متوقع هستیم آنها هم با ما مساعدت کنند. مثلاً آمریکا، مالک متحده آمریکا شمالی که از سالیان دیر با ما مناسبات

خوبی داشته اند و مسائل باربری باید بما بدهند این وسائل را برای ما فراهم کنند تا در این موقع بکار بندیم ما برای روز جنگ و سختی کمک و مساعدت میخواهیم برای روز بیچارگی کمک می خواهیم والا برای موقع صلح که ما خودمان وسائل فراهم میکنیم (صحیح است) ولی امروز نباید کار این کشور باینجا برسد که همانطور که عرض کردم قند را از کارخانهای داخلی خودمان میتوانیم باین شهر و آن شهر برسانیم و صریحاً وزارت خواربار بگوید که من وسیله حمل و نقل ندارم. اینجا بخاطر دارم خود آقای سهیلی فرمودند که ما مشمول قانون رام و اجاره آمریکا شده ایم و هر نوع استفاده میتوانیم بکنیم. ولی امروزه با این حرفها هیچ چیزی نداریم و قسمت باربری ما که پایه اقتصادیات است لنگ و خراب است و چرخ مملکت ما خوابیده است و ممکن است قحط و غلای تمام جا های ما را فرا گیرد و ما در صورت داشتن گندم هم نتوانیم بهیچ جایی حمل کنیم و برسانیم (صحیح است) این قسمت را بنده خیلی میل داشتم يك توجهی بهش بفرمایند و يك تسریعی در این کار بکنند و از حرف پا بعمل بگذارند اشتباه نشود این را اینجا بنده امروز بزرگترین تذکره میدانم و عرض این است که دولت برود وسائل فراهم کند برود موجود کند نگویند نمیشود لفظ (نه) از دهان هیچ وزیری در کشور ایران از این بعد نباید شنیده شود و سعی کنند در جامعه که تمام مقاصد جامعه را لباس عمل بپوشانند و بهمان مواد برنامه استفاده کنند و عمل کنند مشکلات البته خیلی زیاد است ولی بحرف نمیشود رفع کرد باید اقدام کند دولت و با کمک مجلس شورای ملی این مشکلات را برطرف کند نه اینکه بصرف حرف و گفتار باشد. عرض دیگرم این بود که خواستم آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی را تذکر بدهم بالنسبه با اقدامی که چندین بار هم در مجلس شورای ملی مطرح بوده است و آقای هنر و بازرگانی سابق بزرگانی و پیشه و هنر هم الحق در این کار خیلی اقدام کرده اند و قضیه به بن رسیده بود که کابینه سقوط کرد و آن موضوع تجدید

قیمتهای کلوظخانه‌های داخلی است. من دیشب يك اعلامی در روزنامه خواندم که يك قیمتی برای پنبه معین کرده بودند حالا به بینید چه می کنند این پنبه را باین قیمت میخرند و همین را نخ میکنند و بچه قیمتی میفروشند؟ چرا آقا بایستی کار خانها این قدر ستم و تعدی را بر مردم روا دارند ملاحظه بفرمائید چه میکنند؟ (صحیح است) در هیچ جای دنیا در هیچ مؤسسه و بنگاهی این قدر سود نمی‌درند ملاحظه بفرمائید در امریکا صدی دو و نیم در انگلستان صدی يك و نیم و در این جا مجلس رأی داد صدی دو ازده سود ببرند بعد آمدند و گفتند نمیشود قانون را اصلاح کنید اصلاح کردند و بعد گفتند اگر غیر از این ترتیب شد ما از بفتح کشور ضبط بشود این هم منظورمانند است صدی شصت صدی هفتاد صدی هشتاد و بیشتر مبرند در هیچ جای عالم اینطور نیست آقا (صحیح است) این را جلو بگیرد الان برای مردم زندگی با این وضع غیر ممکن و طاقت فرسا شده است (صحیح است) يك نفر کارگر يك کارمند دولت نمیتواند با این ترتیب زندگی خود و خانواده اش ادامه دهد این کار را توجه بفرمائید رسیدگی بکنید که حدی قائل بشوند (صحیح است) مجلس شورای ملی دو نوبت بيك اصلی رأی میدهند اینها را باید بهش ترتیب اثر داد و رسیدگی کرد (صحیح است) و من مخصوصاً توجه آقای نخست وزیر را جلب میکنم که خودشان بیایند و حقیقه باین کار رسیدگی بکنند که لا اقل مردم پس از چندین سال بتوانند يك جفت جوراب و يك جفت کفش در این آخر سال برای خودشان و بچه شان بخرند دو متر پارچه بتوانند بخرند. (صحیح است) هر صبح که پامیشوید این کارخانههای کبریت سازی ما وزی ده دینار بیست دینار سی دینار بر قیمت کبریت اضافه میکنند همینطور سایر شئون زندگی. هر روز بر قیمت زندگی افزوده میشود و هر روز سطح زندگی دارد بالا میرود و مردم بیچاره و بد بخت این جامعه دیگر درمانده شده اند (صحیح است) و روز بروز این بد بختها فراوان تر و زیادتر میشوند (صحیح است). يك عرض دیگر بنده را جمع باعتبار دولت است دولت در بودجه خودش تقریباً سی هزار تومان (سیصد هزار ریال) اعتبار

که کردم مورد توجه قرار گیرد و امیدوارم آقای نخست وزیر و آقایان وزیران متوجه باشند و از کارهای بد گذشته نباید بگذرد زیرا بد کار اگر کیفی نه بیند مانند او در جامعه فراوان پیدا خواهد شد (صحیح است. احسنت)

رئیس - آقای ملایری

ملایری - برنامه دولت که تقدیم مجلس شورای ملی شده و فعلاً مطرح است بسیار پسندیده و قابل تمجید است زیرا بطور خلاصه متضمن احتیاجات مورد نیاز عامه در حال حاضر و تضمین منافع کشور از لحاظ سیاست همکاری نزدیک با متفقین میباشد و چون بیا کی طینت و صراحت لهجه و گفتار و جوانمردی شخص رئیس دولت معتقدم و در ایشان و همکاران محترم و اطرافیان ایشان تأمین منافی از قبیل فروش برنج و چائی و ابریشم و تونون سراغ ندارم بقیه کامل دارم که بتوانند برنامه خود را که یگانه مقصود همگی است عملی نمایند.

فراموش نمیکنم چند روز قبل از استعفای کابینه قبلی آقای سهیلی موقعیکه حضور حضرت اشرف آقای مؤتمن - الملك شرفیاب شدم و از رأی صائب و بی آلابش آن وجود محترم راجع به روش خود استمداد نمودم فرمودند آقای سهیلی را تقویت نمایند چون عقد پیمان را با دول دوست و همجوار ما امضا نموده اند و بعلاوه موقع برداشت خرمن هم نزدیک است بگذارید انبارها را پر نمایند و اسباب اطمینان جامعه را فراهم سازند و به همکاران عزیزم آقایان بیات و صدر و رفیعی هم عین همین فرمایش را فرموده بودند که بوسیله آقای رفیعی در جلسه خصوصی بعرض آقایان محترم رسانیده شد.

همانطور که در مواقع سخت و درزهای تیره هر کشوری دیده میشود که افراد از هر دسته و حزب و با هر مرام و مقصدی که هستند نظریات خصوصی را کنار گذاشته و دست هم داده و تنها هدف خود را حفظ مصالح کشور قرار میدهند امیدوارم ما هم از وکیل و وزیر و روزنامه نویس و اداری و بازاری از روی خلوص عقیده و ایمان دست اتحاد

بیکدیگر داده و در لوای تو جهات شاهنشاه محبوب و جوان خود از راد مردی که بر اثر تمایل مجلس و افکار عامه روی کار آمده اند بالاتفاق پشتیبانی نموده بلکه بتوانیم با یاری خداوند متعال بر ادراک خود را از چنگال فقر و فلاکت برهائیم و رجاء و اتق است که همسایگان عزیز و معظم ما هم که از منظره داخراش گرسنگان متأثرند نهایت کمک و مساعدت را در راه پیشرفت این مقصود با دولت و ملت ایران مبذول خواهند داشت. (صحیح است. احسنت)

رئیس - آقای نوبخت

نوبخت - پیش از اظهار نظر درباره برنامه دولت لازم میدانم خاطر آقایان نمایندگان محترم و دولت آقای سهیلی را یادآوری کنم که آنچه بیان خواهم کرد نسبت بر رئیس دولت یا شخصی از اشخاص این هیئت که به مجلس معرفی شده اند جنبه مخالفت خاصی ندارد نه با تشکیل هیئتی معین مخالف هستیم و نه با تعیین هیئتی دیگر موافق بلکه دولت‌هائی

که در این دوره تقنینیه یعنی دوره سیزدهم بمجلس معرفی شده اند همه در نظر من یکسان بوده اند زیرا برنامه آنها یکنواخت و در کلیات سیاست دارای يك روش بلکه هم عقیده بوده اند و تا تغییر دولتی در امور کشور مؤثر نباشد و در اثر تبدیل دسته با دسته دیگر تحویلی ایجاد نشود بسلیقه من موافقت یا مخالفت جنبه عمومی نخواهد داشت از این جهت نباید تصور بشود که بیانات من از این لحاظ است که با دولت سابق یا هیئتی دیگر موافقت داشته یا دارم یا ایجاب کند که با دولت فعلی مخالف باشم. اعتراف صریح دولت در مقدمه برنامه نیز مؤید نظریه من است که اظهار نموده اند: (اصول و ظایف هر دولت وطن خواه همان است که همواره در ضمن برنامه دولت ها در طول مدت دوره تقنینیه حاضر تقدیم مجلس شورای ملی شده است. ضرورت تعقیب همان مواد را ایجاب مینماید) در ضمن برای من کافی است که از جملات فوق چنین استنباط کنم که در تمام این مدت هیچگونه بهبودی در اوضاع و احوال کشور ما راه نیافته و گرنه طبعاً ایجاب میکرد که تغییری در برنامه دولت

حاصل شود و چرن توقف بحکم عقل محال است ناچار رو - بانحطاط رفته ایم و بدون شهه این انحطاط معلول روش سیاسی دولت های ما است زیرا اصولی که اتخاذ کرده اند اگر بصواب نزدیک بود نتیجه اش جز این بود که مشاهده می کنیم . شاید در اثر همین انحطاط فکری است که یک کشور فلاحتی چنان در تنگنای فحطی افتاده است که مهمترین مواد بر نامه دولت او (اقدام سریع برای تأمین مواد غذایی و ایجاد وسائلی است که امر خواربار را تنظیم نماید) آنها که به جغرافیای چند صد سال پیش آشنائی دارند میدانند که ایران همان کشوری است که از پشت دروازه اصفهان تا پشت دروازه مرد شاه جهان یک وجب زمین خشک نداشته و آنها که از این مقوله بی خبرند شاید بدانند که در همین دو سال پیش مردم این کشور در اثر وفور و فراوانی همه نوع خوار بار برای ممالک خارجه حمل میکردند اما در ظرف این مدت کم بواسطه سوء سیاست ما یا حسن سیاست دیگران روزگار کنونی بجائی رسیده است که تنظیم امور خواربار برای او مشکل بزرگی ایجاد کرده است . با اظهار تأسف از وقوع چنین بدبختی اگر در واقع دولتی مایل است این مشکل را حل نموده حوائج مردم را تأمین نماید نباید کوچکترین انتظاری داشته باشد که دیگران به حوائج اقتصادی او نظری کرده مساعدتی نمایند دیگر چه رسد باین که بجرائی رفع مشکلات اقتصادی او اقدام نمایند و با این که مسلم است که حیات اقتصادی این کشور متعلق بخود او است اگر این انتظار را نتیجه عاید می شد قطعاً در طول این مدت مشهود شده بود و چنانچه بخاطر دارم در یکسال و چند ماه پیش آقای وزیر نخست وزیر فعلی که وزیر خارجه آن زمان بودند در ضمن مذاکره یا مصاحبه با آقای مدیر محترم تجدد فرمودند (بمناسبت جنگ و بسته شدن راه های خشکی و دریائی برای آنکه حیات اقتصادی خود را تأمین کنیم احتیاج داریم با متفقین قراردادی منعقد نمائیم که احتیاجات ضروری ما را تأمین کنند) مدتها است از این مصاحبه میگذرد و این مفهوم

که بزبان وزیر خارجه وقت بطور قطعی ایراد شده است امروز بزبان آقای نخست وزیر صورت امیسد و انتظار را دارد زیرا در پایان نامه خود میفرمایند (و نیز اطمینان دارد که متفقین ما که روابط مستقیم و منافع مشترکشان بادولت ایران روز افزون است برای رفع مشکلات اقتصادی مخصوصاً امر خواربار همواره مساعدت سریع و مؤثری خواهند نمود) هر کس مفهوم این دو جمله را در نظر خود مجسم نماید ناچار اعتراف خواهد کرد که روش سیاسی دولت های ما تا کنون بر روی نظریه صائبی استوار نبوده است و اگر به هستی ما دست نیازند کشور ما را بمساعدت هیچکس نیازی نیست . من در مسافرت اخیر خودم بهر نقطه که رسیدم خواربار فراوان دیدم و این دو شیئی متضاد که با تمام معنی در غالب نقاط این کشور مشاهده میشود بما میفهماند و صریح میگوید که همه چیز هست اما بشما نمیرسد . بنا بر این آن دولت وطنخواه که تنظیم امور خواربار و رفع احتیاج مردم را در نظر دارد با اتخاذ این سه امر میتواند بدون انتظار مساعدت دیگران این مشکل را حل کند . اول آنکه دولت از آنها که گندم نروئیده و جو هنوز سبز نشده را بطور سلف میخرند و از آنها که کشته ترسته خود را پیشکی میفروشند با شدتی هر چه تمامتر جلوگیری نماید . دوم از آنها که انواع خواربار مخصوصاً گندم و برنج را از این کشور خارج مینمایند ممانعت کند و راستی اگر متفقین را با دولت روی مساعدتی است بگذارند که این کار عملی بشود . سوم خواربار کشور را به مصرف اهالی کشور برساند و در عوض آنچه را که متفقین مدعی هستند که گاهی برای ما می آورند برای مصرف خودشان وارد نمایند . اگر دولت بتواند این سه نکته را رعایت نموده و اجرای آن را پافشاری نماید حوائج این کشور را از لحاظ تأمین خواربار بر آورده است و احتیاجی نیز بمساعدت دیگران نیست . و گرنه مال خود را از کف دادن و منتظر همسایه بودن و آنچه کشور دارد از بیگانه تمنا کردن خوار بار

مورد احتیاج را تأمین نخواهد کرد و اگر این منظور بر آورده نشود طبعاً ماده سوم این برنامه که حاکی از اصلاحات لازم نسبت بمسائل اساسی و از آن جمله بهداری است معنی نخواهد داشت زیرا در امور صحی بیش از همه چیز خواربار و تهیه آن بر روی وسائل صحی مورد بحث است . شکم گرسنه مردم را شن ریزی یک-ردن با اصلاحات امور بهداری چه تناسبی با هم دارد ؟ در باره ماده چهارم که نوشته شده است (همکاری نزدیک با دول متفق ایران و دولت متحده امریکای شمالی و تضمین منافع طرفین با رعایت کامل مصالح کشور) عقیده من همانها است که در ضمن بیان خود در باره برنامه های سابق و در ضمن مخالفت با قرار داد اظهار نمودم و تکرار آنها را لازم نمیدانم زیرا معلوم است که با این اتفاق خوش بین نبوده و نیستم و آنچه را که پیش بینی کرده و بیان نمودم متأسفانه غالباً صورت عمل یافته پریشانی احوال مملکت و قحطی روز افزون و هزارها مضائب دیگر که پدید آمده است نظریه صائب مرا تأیید میکنند . درباره کلمه همکاری نمیدانم یا دولت تمام معانی این کلمه را در نظر داشته است یا آنکه مقصود همراهی است زیرا دولت ایران در این جنگ جهانگیر با دول متفق البته همکار نیست و چنانچه عقیده دارید بر طبق قرار دادی که بسته اید همراه هستید نه همکار . این نکته را نیز متذکر میشوم که در برنامه های سابق تنها اسم دولت شوروی و دولت انگلیس در میان بود و نامی از امریکا بقید همکاری بنظر نرسید و اکنون در این برنامه نام دولت متحده امریکای شمالی افزوده شده است .

انوار - خیلی بهتر .

همین استند یاری - بسیار خوب است ...

نوبخت - این عطف زائد بنظر من قدری موضوع را مبهم و تاریکتر کرده است زیرا اولاً نمیدانم دولت ایران بر طبق کدام قرارداد این همکاری را مقبل شده است و کدام پیمان ایجاد کرده است که دولت ایران منافع امریکا را تضمین کند ؟ ثانیاً موضوع ورود سربازان امریکائی است

که نمیدانم بر طبق چه قاعده و از روی چه قرار دادی است ؟ هنگامی که این جانب از مسافرت فارس برگشتم در پایتخت وقایعی روی داده بود که از لحاظ عقیده خودم میبایستی اعتراض خود را بعرض مجلس شورای ملی برسانم اما در آنوقت در مرکز نبودم و پس از ورود تقریباً یکماه و چند روز پیش از این بانخست وزیر سابق آقای قوام این موضوع را تذکر دادم و چنین اعتراض کردم که دولت ایران بادولت انگلیس و شوروی قراردادای بسته و معین کرده اند که پس از شش ماه بعد از جنگ خاك ایران را ترك نمایند بمن بفرمائید که سربازان امریکائی بر طبق کدام قانون آمده اند و بر طبق چه قراردادی خواهند رفت و مسئول خروج آنها کیست ؟ آقای قوام جواب دادند که درباره این موضوع مشغول مذاکره هستیم مهلتی بدهید بعد جواب خواهم داد بالاخره ایشان جواب ندادند تا مستعفی شدند و اکنون مورد این سؤال آقای سهیلی نخست وزیر فعلی هستند که این مسئولیت را عهده دار میباشند و از ایشان خواشتمندم که هر گونه اقدامی در این باره شده است یا خواهد شد مجلس را مستحضر فرمایند .

رئیس - آقای بیات .

بیات - البته در برنامه دولت موقعی است که آقایان نمایندگان می توانند نظریاتی که راجع باصلاحات دارند بدولت تذکر بدهند و مخالف یا موافقی که نوشته میشود برای همین قسمت است که اصلاحات و نظریاتی که هست تذکر داده شود مطالبی را که البته موافقین یا مخالفین اظهار می کنند مطالبی است که مربوط بجامعه است که باید از طرف دولت اقدام و یا جلوگیری شود و البته توضیحاتی که داده میشود همانطور که عرض کردم هر کس نظریاتی دارد و صریحاً اظهار می کنند و امیدوار هستم که دولت حاضر این نظریات و تذکرات را در نظر بگیرند و هر کدام را که تذکر میدهند در نظر بگیرند و بموقع عمل و اجرا بگذارند . البته خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که قبل از تشکیل کابینه آقای قوام آقای سهیلی زمام

امور کشور را در دست داشتند و چند ماهی با اجرای برنامه دولت خود کمر همت بستند اما دولت آقای سهیلی پس از چند ماه فعالیت مستعفی گردید و قضاوت مجلس شورای ملی درباره آن کابینه و طرز عملش موافق نبود امروز برای مرتبه دوم آقای سهیلی زمامدار امور دولت هستند و باظهار خود ایشان برنامه دولت تعقیب همان برنامه دولت سابق ایشان است ولی البته برای طرز عمل و اجرای برنامه امیدواریم نظریات دیگری اتخاذ نموده باشند که نتایج مطلوبی در زمامداری جدید ایشان بدست آمده که اسباب رضایت خاطر نمایندگان و عموم ملت فراهم گردد آقایان نمایندگان محترم و دولت حاضر تصدیق میفرمایند که برنامه کلیه دولت‌ها مجموع یک سلسله اصول و قواعد مفید و مسائلی است که اجرای آنها از هر جهت برای کشور ضروری میباشد لیکن تمام اشکالات در اجرای برنامه و عملی ساختن آنست و در اینجا نه فقط باید با اجرای برنامه توجه نمود بلکه طریقه اجرای و راه به نیل بمقصد خود اهمیت خاصی را حائز است بهر حال برنامه هر دولت مادام که لباس عمل نپوشد آرزویی بیش نیست و با آرزوی صرف کار کشور اصلاح نمیشود اگر کابینه آقای سهیلی موفق به اجرای برنامه خود نگردد و انتظارات مردم ایران را نتوان بر آورد و بالاخره اگر مشکلاتی در اجرای مقاصد و منویات رئیس دولت موجود بود باید متوجه گردید که برنامه فعلی دنباله همان برنامه و انتظارات مردم ایران از دولت فعلی بیشتر از انتظارات آنان از دولت سابق و بالاخره مشکلات و موانع بدرجات بیشتر و از حد و حصر فزون است پس اگر نظر آقای رئیس دولت تعقیب همان رویه اولیه و خط مشی سابق باشد باید اذعان نمود که نتیجه از هر جهت نمی تواند مثبت باشد و ما تصور می کنیم که آقای سهیلی در طرز اجرای برنامه خود و راه تأمین آسایش مردم از گذشته و حوادث اخیر اوضاع سراسر بحران دیبا و بالاخره تجربیات عملی خود رویه عملی لازم را مورد توجه مخصوص قرار داده اند و این مرتبه راهی را خواهند پیمود که دولت ایشان را بسر منزل مقصود برساند و کشتی مملکت ایران را که جنگ و بحران جهانگیر دچار طوفان حوادث ساخته است با حسن تدبیر و فعالیت خود و همکاری ایشان

با اتکاء بمر احمشاهنشاه جوان بخت و نمایندگان محترم ملت بساحل نجات برسانند . پس از ذکر این مقدمه بحث مختصری در مواد برنامه دولت را لازم میدانم ماده اول .

برنامه دولت بدین مضمون است . « اقدام سریع برای تأمین مواد غذایی که آنرا مورد حاجت و نیاز عامه است و ایجاد وسائل مؤثر برای انتظام امر خواربار در سال آینده » این ماده شامل دو قسمت است : قسمت اول تأمین مواد غذایی که آنرا مورد حاجت عامه میباشد آقای قوام رئیس دولت سابق روزی در جلسه عمومی مجلس شورای ملی اظهار داشتند که ایشان قادر باعجاز نبوده و نمی توانند برای رفع نیازمندی مردم گندم خلق نمایند . ماهه از آقای قوام و نه از آقای سهیلی انتظار اعجاز و خلق کردن گندم نداریم انتظار مجلس شورای ملی و قاطبه مردم ایران حس اداره امور و سازمان کشور است نسبت بموضوع خواربار میگوئیم برای دولت دو عمل در درجه اول اهمیت قرار دارد اول استفاده از کلیه منابع موجوده کشور و تنظیم امور اقتصادی متناسب با وضعیت فعلی کشور دوم اقدامات قبلی برای جلوگیری از مخاطرات و ضررهای محتمل الوقوع نسبت بتأمین مواد غذایی که مورد نیاز فوری عموم است باید با اصول اقتصادی توجه ویژه مبذول داشت باید متذکر شویم که تنها کشور ایران دچار بحران نیست بسیاری از کشورها هستند که از نائره جنگ برکنار نیستند و بلکه بطور مستقیم یا غیر مستقیم دچار آتش جنگ شده اند با اینهمه اصول اقتصادی و خط مشی آنها در تأمین احتیاج عمومی و خواربار طوری است که بسر نوشت ما چهار شده اند البته در آن کشورها فداکاری افراد با حسن تدبیر دولت توأم است مثلاً در اجرای قوانین منع احتکار یا جیره بندی نهایت دقت بعمل میآید که اولاً اجرای او بدست مأمورین صالح یا کدام عملی گردد و ثانیاً در این قسمت تبعیض بکار نرود و از همه بالاتر شدت عمل است در ایران انتظاری که در اجرای قوانین نامبرده از دولت میرفت مقرون بعمل نگردید نتیجه آن شد که قیمت‌ها روز بروز سیر صعودی

خود را تعقیب کرد . از طرفی کالاهائی مورد جیره بندی واقع گردید و از طرف دیگر در بازار آزاد مورد معامله قرار گرفت و معلوم نیست بجهت مجوزی وقتی مردم در خرید و مصرف کالائی بمنوان جیره بندی محدود شده باید در تحصیل آن در عین حال آزاد باشند و اگر جیره بندی نتیجه قلت تولید است چرا باید اجازه داده شود کالای نایاب در دست اشخاص متمرکز شده آزادانه خرید و فروش شود ؟ و وجود بازار آزاد در صحت معاملات خلل وارد سازد و در بهای کالاهای دیگر اثر سوء بخشد . بعلاوه کالائی که نرخ آن تثبیت گردیده و احتکار آن ممنوع است بهای فوق العاده گران در بازار معامله شود و ذخیره کنندگان در عملیات نامشروع خود آنطور که باید مورد مواخذه قرار نگیرند و اگر مواخذه در کار باشد ناقص عملی گردد و در این کار قانون آنطور که انتظار ملت ایران است بموقع اجرا گذاشته نشود هنگامی که نان جیره بندی شد دولت چنین تشخیص داد که مردم ایران موظفند در مصرف نان تقلیل کنند و این محرومیت را بطور تساوی تحمل نمایند باید انصاف داد که این اصل با آزادی مصرف نان مغایرت دارد و برخلاف نظم طبیعی و اصول اقتصادی است توضیح آنکه با جیره بندی نان تمام افراد کشور باید بموجب قانونی ملزم شوند آرد یا گندم ذخیره خود را فوراً بدولت تسلیم نمایند تا مطابق قاعده ظرف مرتبه در این موقع بحران همه بیک نسبت در سختی معیشت شریک یکدیگر باشند و از موجودی خواربار کشور بیک میزان بهره مند شوند اولاً این موضوع بنظر بنده میبایست در تمام کشور عملی شود و الا در یک قسمت طرز جیره بندی مجزی و در قسمتهای دیگر آزاد این امر غیر قابل اجراست و تصور میکنم چنانچه اجرای این موضوع را دولت در نظر داشته باشد نقشه عملی کردن آنرا در تمام مملکت باید برای آئینه در نظر گرفته تا نتیجه مطلوبه از آن بدست آید قانون جای نشین یکی از اصول اقتصادی است که در موقع بحران عمومی مورد اجرا قرار میگیرد مثلاً اگر تولید گندم کم شد برنج یا سیب زمینی باید جای گیر آن شود دولت اگر بتولید موادی که بتواند

جانشین مواد اصلی شود نظر خاصی مبذول میداشت اگر در تثبیت بهای این قبیل مواد لااقل توجه مینمود بهای مواد اصلی تا این درجه رو بترقی نمیرفت زیرا مصرف کننده در اینحال از خرید ماده اصلی صرف نظر مینمود و اختلاف فاحشی که بین بهای ماده اصلی و ماده فرعی وجود داشت مصرف کننده را بخريد ماده دوم متوجه مینساخت و تقلیل تقاضا موجب پائین آمدن بهای ماده اصلی میگردد از طرف دیگر تثبیت قیمت‌ها امری است ساده و طبیعی و تنها يك عامل شرط اخذ نتیجه تثبیت بود و آن همان اجرای امر یعنی عمل بود و پس - گفتند معاملات دلالی (اسپکولاسیون) ممنوع است و باید جلو گیری شود اما در عینحال در طی پنج شش ماه باز قیمت‌ها پنج شش مرتبه ترقی نموده است و معلوم نیست حسن تدبیر دولت سابق چه بوده است ؟ آیا عمل اداری دولت و سیاست اقتصادی او را نمیتوان خود یکنوع (اسپکولاسیون) دانست ! بالاخره اگر راهی که دولتهای اخیر رفته اند غلط بوده است باید دیگر آن راه انتخاب نشود و اگر اشخاصی که مسئول امور بوده اند نتوانسته اند آنطور که انتظار مردم بر آنست انجام وظیفه نمایند دیگر تصدی آنان به آن مقام و تجدید مطلع بزبان کشور است و اگر واقعا اصلاح امور غیر ممکن است قبول مسئولیت غیر منطقی است خلاصه آنکه تأمین آذوقه مردم ایران در این موقع با جمع آوری موجودی کشور و افراد و توزیع آن به نسبت و اجرای این امر بوسیله مأمورین صالح طبق مقررات و اصول صحیح ممکن است و در عین حال واردات و صادرات حوائج اولیه از خارج بویژه با مساعدت متفقین ما امری است ضروری و ما از دولت آقای سهیلی انتظار اجرای این موضوع را داریم . نسبت بسازمان وزارت خواربار و این دستگاه عریض و طویل و هزینه زیاد و نتیجه عمل این مؤسسه و طرز عمل مأمورین آن و بیابان حاصل از عملیات آنها انتظار رسیدگی دقیق و گزارش لازم را داریم اما در مورد قسمت دوم ماده اول برنامه دولت یعنی (ایجاد وسائل مؤثر برای انتظام امر خواربار در سال آینده) در اینجا نه فقط دولت را بکلینه

اصول اقتصادی که برای ازدیاد تولید محصول کشاورزی و بهبودی آنست از قبیل تهیه بذر کمک مادی بزارعین بوسیله بانک کشاورزی و تشویق آنان مطابق قواعد علمی تأمین منافع و حقوق آنها و بالاخره توجه بکمیت و کیفیت کشت های مختلفه باعتبار فصل و محل متوجه میسازم بلکه نکته مهمی که لازم بتوضیح است توجه به تجربه تلخی است که از رویه دولتهای سابق بر ما حاصل گردید که بموقع نتوانستند خرمن را جمع آوری نمایند و آن را در دست خود متمرکز سازند و این وضع موجب شد که زارع و کشاورز محصول خود را به بهای گرانتری از میزان مقرر بدیگران بفروشد و بعد خود نیز از نقطه نظر بازرگانی در تحمل خود پشیمان گردد و در ماه چهارم سال همه محتاج به گندم شویم و تا کنون هم در مضیقه باشیم اینک انتظار می رود دولت فعلی از گذشته سرمشق گیرد و قانوناً عموم تولید کنندگان را مجبور نماید محصول خود را منحصرأ بدولت بفروشند و مأمورین جدی و صحیح العمل برای رسیدگی بگمارند اما بهای محصول آنها را بمیزان عادلانه بپردازند و این عمل که انحصار در خرید و فروش نامیده میشود نباید مورد تعجب و ایراد قرار گیرد اینک انحصار مورد تنقید قرار میگردد غرض عمل بانحصار در موقع جنگ و بحران نیست آقایان خود متذکر هستند که اگر برای انحصار بتوان مجوزی قائل گردید این مجوز خود بحران و جنگ است و در این موقع نیز انحصار خرید و فروش کالاهای ضروری باید در دست دولت باشد و دولت باید فداکاری کند مقصود آنست که نظم و ترتیب برهم نخورد و با کمال دقت و روی اصول علمی که متناسب با اوضاع محیط باشد انحصار دولت عملی شود پس دولت باید نسبت بتأمین آن ذوقه سال آینده نهایت دقت را ملحوظ داشته و باید بایران لازم بیاید بشود از خبط های گذشته جلوگیری کند در تکثیر تولید بکوشد و از مصرف بسیجی جلوگیری نماید تا این تولید و مصرف تعادل لازم برقرار شود و بالتجربه بهای کالاها تنزل نماید ماده دوم برنامه دولت عبارت است از « مجاهده در تنزل دادن هزینه زندگی و مبارزه با غلاء و گرانی اجناس و

کشاورزی و بهداری و فرهنگ و رفع نواقص قوانین دادگستری و همچنین سعی در بهبودی زندگی گانی مستخدمین دولت و کارگران و کشاورزان و تأمین رفاهیت آنان با وضع قوانین و مقررات لازم « مندرجات این ماده ما را بمسائل مهمی متوجه میسازد که اصلاح آنها مورد نظر دولت فعلی است ولی بطوری که عرض کردم منظور و مقصود دولت خیلی خوب انشاء شده لیکن اجرای آن اصل و اساس است. در مورد کشاورزی امروز ما محتاج بسازمان صحیح و برنامه دقیق هستیم باید بانظر متخصصین برنامه عمل تنظیم شود. من و یک عده از رفقای پارلمانی در مورد امسالک و اگذاری طرحی تهیه نموده و سابقاً در مجلس مطرح ساختیم امروز آن طرح را مجدداً بدولت یاد آوری میکنم که مورد مطالعه قرار دهند زیرا صرفه و صلاح کشور و کشاورزان و خورده مالکین را در اجرای آن طرح میدانم. کشاورزی اساس و بنیان زندگی اقتصادی ایران است بخصوص در این موقع که ما تنها وابسته بسعی و فعالیت خودمان هستیم و نمیتوانیم حوائج خود را از خارج تأمین کنیم. اهمیت بهداری را در دو کلام خلاصه میکنم آمار در گذشتگان همه روز معرف وضع بهداشت مردم و زندگی گانی مادی آنها است در این زمینه دولت مسئولیت بزرگی را عهده دار است و مجلس شورای ملی بطور قطع انتظار اقدامات مجدانه برای اصلاح بهداشت عمومی دارد برای پیشرفت امور فرهنگ و دادگستری مجلس شورای ملی همه گونه همکاری و تسهیلات طبق وظایف خود مینماید عملیات دولت را برای توسعه این قسمت قضاوت خواهد کرد.

اما وضع مستخدمین و کارگران و کشاورزان قابل مطالعه و تحقیق زیادی است زندگی گانی این طبقه از مردم مختل است از مستخدمین دولت استفاده لازم بعمل نمی آید حقوق آنها برای تأمین زندگی مادی آنان کافی نیست دسته ای از آنان روز بروز رو بضعف میروند جمعی رخ خویشتن را باسبیلی سرخ نموده اند اما دسته ای هم بدون استحقاق زائد بر صلاحیت خود منتفع میشوند بعضی از آنها چنانچه شنیده

می شود بطرق نامشروع متشبث شده و در اندک مدتی ثروت هنگفتی جمع آوری مینمایند عجب در آنست که بحال و وضعیت هیچیک از این دستجات رسیدگی نمیشود نه از بیچارگان دستگیری میشود نه از وظیفه شناسان قدردانی و نه راجع بطراران احتمالی تحقیق بعمل آمده است چون فعالیت دولت باید بوسیله عمالش انجام شود پس در این مورد دولت باید فوق العاده دقیق شود و بوضعیت کارمندان خود از نزدیک بازرسی نماید و در بین آنان حس مسئولیت را تقویت کند. بالاخره ماده چهارم برنامه دولت ناظر بر حفظ و تحکیم مناسبات صمیمانه با دول دوست و همسایگان مخصوصاً همکاری نزدیک با دول متفق ایران و دول متحده آمریکای شمالی و تضمین منافع طرفین با رعایت کامل مصالح کشور است

جای تردید نیست که دولت ایران با دول همسایه و متفقین خود و دولت آمریکا مناسبات دیرینه داشته و حسن تفاهم و روابط موجود هر روز تقویت شده است و بدیهی است ملت ایران هم که طالب صلح و آرامش جهان و آرزو مند بسعادت آن ملل میباشد نسبت به متفقین خود و مهمانان آمریکائی و دیگر آنان که تا آنجا که ظرفیت مادی او اجازه میداده است خدمتگزاری نموده و مینماید و بدیهی است انتظار دارد که دول نامبرده نیز در موضوع خواربار و حوائج اولیه ایران در این موقع مساعدت کامل بنمایند و دولت نیز در این قسمت اقدام لازم بعمل آورد تا معاضدت واقعی از جانب هر دو طرف عملی گردد

در خاتمه عرایض خود این نکته را نیز تذکر میدهم که مجلس شورای ملی در هر حال ناظر اعمال دولت است و در این مورد قضاوت خواهد کرد و نسبت بانجام مسائل مفیده در حدود وظایف خود با نهایت علاقمندی ابراز موفقیت خواهد نمود

نخست وزیر - همانطور که آقای روحی در ابتدای بیانات خودشان اظهار فرمودند البته مجلس شورای ملی در موقع طرح برنامه دولت یا طرح بودجه موقعی بدست دارد

که راجع بمسائل کلی و عمومی کشور تذکراتی بدهد بنده از طرف خودم و رفقای خودم خیلی خوشوقت هستم که این مورد بدست آمده است که تذکرات آقایان نمایندگان محترم اعم از موافق یا مخالف بشنویم. بطور کلی آنچه بیان شد حکایت از اشکالات و معضلاتی میکند که بر هیچیک از ماها پوشیده و پنهان نیست چه بنده یا هر دولت دیگری هم که در این جا بسر کار بیاید نمیتواند منکر شود که اوضاع جنگ و عواقب ناشیه از آن مارادور از اثرات آن بگذارد و آن اثرات امروز مبتلی به ما شده و ما از هر جهت احاطه کرده است و تا جنگ باقی است البته باید اعتراف کرد که مدار عمل هر دولتی در اطراف این قضایا چرخ میزند اگر دولت من در تنظیم برنامه خود راه اختصار پیموده برای این بوده که با احاطه و اطلاع کاملی که نمایندگان محترم در کلیه شئون مملکت دارند و با همان دقتی که در مطالعه امور کشور میکنند و صرف وقت می فرمایند اطلاع کامل بمعضلات و مشکلات دارند دیگر ما نخواهیم که زیاد بشرح و توضیح بپردازیم و سعی کردیم برنامه را کوتاه کنیم و یک مسائلی را اینجا بگنجانیم که در درجه اول اهمیت مبتلی به عموم است و در برنامه بنده معتقدم همانطور که آقای روحی و آقای نوبخت و همینطور سایر آقایان فرمودند از حرف و نوشتن باجرا و بعمل بپردازیم (صحیح است) حال لازم است بطور کلی در اطراف برنامه چند کلمه عرض کنم و نسبت به بیاناتی که آقای روحی و سایر آقایان دیگر فرمودند توضیحاتی بدهم دولت ایران با سیاستی که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده و بموجب آن بیمانی بامتفقین خود (دولتین شوروی و انگلستان) بسته البته همکاری ما بامتفقین مسلم شده و خوشبختانه باید اعتراف کنیم که این سیاست و شالوده آن کاملاً بمصلحت کشور ایران بوده است (صحیح است) از طرف این دولت هم سعی وافی خواهد شد که موجبات تحکیم و اجرای این پیمان از هر حیث و هر جهت فراهم بشود و مدام بر صفای و داد و حسن مناسبات افزوده شود و یقین دارم متحدین ما هم در این مدت اطمینان قطعی پیدا کرده اند که دولتهاو

باید رو داشت (صحیح است) دولت من با کمک و مساعدت نمایندگان محترم مجلس شورای ملی امید قطعی دارد که در این امر موافقت کامل حاصل کند (صحیح است) البته باینها رحم و شفقت نباید کرد (صحیح است) زیرا که اینها هلاکت عامه را بهیچ می شمارند (صحیح است) من باید در اینجا بر حسب وظیفه که دارم عرض کنم که قضیه نان متأسفانه تا بحال خوب نبوده این دوسه روزی هم که خودم وارد بودم و دیدم مشاهده کردم خوب نیست و می توان گفت بمناسبت نرسیدن گندم یک قدری هم بدتر شده (صحیح است) این را من اعتراف میکنم ولی مطابق اطلاعاتی که دارم و امیدواری که داریم بهیچوجه جای این نیست که مادر این باب تصور کنیم گندم ما نخواهد رسید مقدار متنابهی گندم به بنادر ما همین چند روزه وارد خواهد شد و بنده امیدوارم که بعد از یکی دو روز دیگر خیلی وضع نان بهتر بشود (صحیح است - انشاء الله)

در باب وزارت خواربار هم مطالعاتی شده و اقداماتی خواهد شد و یقین دارم بزودی این موضوع سر و صورتی بگیرد که نگرانی از هر جهت از ما دور شود (صحیح است)

علاوه بر میزانی که قرار است از خارجه خواربار برسد اقداماتی هم در باب خرید غله در داخله کشور شده است و جمع آوری هم شده است و امید است خیلی بزودی بظهران برسد. مطلب دیگری که دولت باید در نظر بگیرد یکی موضوع کشت آبنده است که باید بعقیده بنده زمین هائی که زیر کشت میرود بکشت موادی اختصاص داده شود که مورد نیاز مردم است و از کشتهای تفننی خودداری شود دیگر موضوع جمع آوری غله است این هم مطلب فوق العاده مهمی است که باید بآن توجه بشود که بایستی ثابت و ثابتیم غله را جمع آوری بکنیم که هم قبلاً خودمان تأمین پیدا کنیم و هم اینکه دیگران نگویند که بمناسبت مسامحه یا سستی یا سوء اداره دولت نتوانست گندم را جمع آوری کند و وسائل این کار را فراهم آورد. موضوع دیگر که باید عرض کنم راجع بتثبیت نرخهاست (صحیح است) که یکی از مسائل مهمی است که

مورد توجه کامل دولت است بنده در این باب و سایر مسائل مالی و اقتصادی که همه از مسائل مهمه است و فعلاً نمیخواهم توضیح زیادی بدهم مخصوصاً با آقای دکتر میلسپو مذاکره کردم ایشان هم مشغول مطالعات خیلی دقیقی هستند و نقشه ها و پروژه هائی در دست دارند که امیدوار هستیم به نتیجه خیلی مطلوبی برسیم آنچه که تحت مطالعه میباشد موضوع امور مالی است. بودجه هست، موضوع پول هست، تثبیت نرخ هست و مسائل دیگر هم هست که در موقع خودش همه اینها با اطلاع آقایان خواهد رسید و مطلع خواهند شد. در برنامه دولت بدو موضوع اشاره شده بود و لازم است این را هم عرض کنم که بعقیده بنده و همکارانم اعم از اینکه اوضاع ما یک حالت فوق العاده داشته باشد یا عادی باشد باید تمام دولتهائی که سر کار می آیند بر خودشان حتم کنند که باید اصلاح وضع زندگی کارگران و کشاورزان را در مد نظر بگیرند (صحیح است) این یکی از مسائل اساسی است که بایستی همیشه ما وجهه همت خودمان قرار بدهیم و از نظر دور نداریم البته در این ضمن بنده موضوع آسایش زندگی مستخدمین دولت را هم از نظر دور نمیکنم و خوب وارد هستم که بآنها (همانطور که آقای روحی هم تذکر دادند) چه میگذرد یقین است با مطالعات آقای دکتر میلسپو بیک نتیجه مطلوبی برسد (صحیح است) و وسائل راحتی مستخدمین دولت هم فراهم شود. این جا یکی دو موضوع را هم آقایان تذکر دادند که هر چند همانطور که فرمودند یک شایعاتی هست ولی لازم است بعضی نکات عرض شود. آنچه چیزی را که آقای روحی فرمودند راجع به فرشهای وزارت خواربار و کیشه های شکر اینها البته یک تذکراتی بود و چون اطلاعی ندارم فعلاً نمیتوانم در این باب چیزی عرض کنم و میگذارم برای بعد. همچنین قضیه باربری تمام اینها را من یادداشت کردم و در اطراف همه اینها تحقیقات میکنم و اقدام میکنم و جوابش را بعد عرض میکنم.

روحی - خیلی متشکرم

نخست وزیر - آقای نوبخت اشاره فرمودند بموضوع

آمریکائیا و اینجا تذکراتی دادند لازم است عرض کنم که ما با متفقین خودمان یعنی دولتین شوروی و انگلستان البته يك پیمانی داریم دولت آمریکا هم یکی از عوامل مهمه ایست امروزه برای کمک رساندن بمستخدمین خود البته يك رشته کارهایی در دست دارد و يك مساعدتهائی باید بکند در بعضی قسمت ها خودشان هم مباشرت در عمل دارند آنچه را که آقای نوبخت فرمودند تحقیق میکنم به بینم آقای قوام نخست وزیر سابق چه اقدامی کرده اند ولی می خواهم عرض کنم و يك موضوع کلی را تذکر بدهم و آن این است که يك دولتی که بستگی کامل بمنشور آتلانتیک دارد يك دولتی که پرچم آزادی و دمکراسی را در دست دارد و پیشاپیش میکشد از این دولت ما بهیچوجه نگرانی نباید داشته باشیم (صحیح است) از اینکه این دولت اینجا از لحاظ کمک بمتفقین خودش وارد شده و اقداماتی کرده باشد. جای نگرانی نیست بلکه دولت آمریکا و ملت آمریکا از آن دولتها و ملت های نوع دوست و آزادیخواهی هستند از هیچ نوع مساعدت و کمک بسایر ملل مضایقه نکرده اند (صحیح است) بنده درخاتمه عرایض راجع بیک موضوعی که آقای روحی فرمودند راجع باعتبار دولت اشاره میکنم که البته اینها با نظر آقای دکتر میلیسپو و نظارت کاملی که ایشان در مخارج دارند و با دقتی که در کارها دارند در آتیه روی يك متد و اسلوب صحیحی حل خواهد شد و منظور آقایان تأمین خواهد کردید درخاتمه باید عرض کنم و موقع را مغتنم بشمارم که اتکاء دولت بنمایندگان محترم مجلس شورای ملی است (صحیح است) و اینکه آقای بیات فرمودند در گذشته کاری صورت داده نشد و صورت ندادیم اینرا بنده درسهام خودم قبول ندارم و آن روزی که اینجا آمدم برای خدا حافظی از آقایان نمایندگان محترم جریات عملم را بعرض آقایان در همین مجلس رساندم اگر ملاحظه فرموده باشید اینطور نیست که در سه چهارماه ما کاری نکرده باشیم (صحیح است) حالا هم امیدوارم با توفیقات الهی و مساعدت آقایان نمایندگان محترم بتوانیم خدماتی را که بما مراجعه شده است بخوبی انجام بدهیم (صحیح است. انشاء الله)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نقابت - کافی نیست. بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

جمعی از نمایندگان - رأی رأی

نقابت - آقا باید اول توضیح بدهم بعد رأی بگیرد. بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

نقابت - علت مخالفت بنده با کفایت مذاکرات این است که در برنامه قدری باید بیشتر بحث و مذاکره بشود ما که نمیخواهیم احتجاج کنیم. ما قصد مباحثه و معارضه که نداریم. يك موقعی است که پیدا شده و پیش آمده است برای اینکه ملت با دولت خودش حرف بزند. دلها تمام پر از درد است مردم تمام گرفتارند. اجازه بدهید ملت با دولت حرف بزند. راه نشان بدهد. ارائه طریق کند اظهار عقیده کند که مردم بدانند مجلس کار میکند (صحیح است)

جمعی از نمایندگان - بفرمائید. بفرمائید

عده دیگر - رأی رأی

دشمنی - نوبت کیست؟

رئیس - نوبت آقای امیر تیمور است. آقای امیر تیمور

امیر تیمور - در این چند روزه که دولت آقای سهیلی زمام کار را در دست گرفته اند از آشنایان و رفقا هر يك که با من تصادف کرده اند پرسیده اند که آیا بنظر شما دولت چقدر دوام خواهد کرد (خنده نمایندگان) بنده جواب این سؤال را مقتضی دیدم در اینجا عرض کنم که دوام دولت و دوام دولتها در گذشته مربوط بخود دولت و عمل دولت بوده است اگر این دولت یا هر دولتی که تقوی و ایمان را شعار خودش قرار بدهد و از قدیم اول احتیاجات عامه را تشخیص و دردها را بفهمد و آنها را تأمین بکند و طوطی اوقدام بکند بعقیده بنده همیشه دوام دارد از این قضیه که بگذریم البته باید وارد بحث در پرگرام و مواد برنامه شد و تمام بحث و مذاکرات این کشور و جامعه هم عجالتاً روی مواد خواربار و غذائی و امران قرار گرفته یعنی تقدیر برای ما اینطور پیش آورده است که تمام طبقات کشور از عالی و دانی طوری گرفتار شوند که تمام بیست و چهار ساعت اوقات آنها صرف تأمین

معاش و تهیه قوت روزانه بشود و بکار دیگر نرسند و هر کار هر یک کنند و بتواند معاش و زندگی خود را تأمین کنند مقدر ما اینطور بوده است حالا این تقدیر را خداوند برای ما مقرر داشته است ما با خودمان بدعت خود تهیه دیده ایم مطلبی است که قابل بحث نیست و بنظر من تقصیر از خود ما است و ما نخواستیم این که بهتر باشیم از اول مال کار را در نظر نگرفتیم فکر حساس و اندیشه صحیح نداشتیم و باین بدبختی رسیدیم درست است که جنک عالم برای ما هم ابتلاهای بسیاری داشته است و ما را بسیار در شکنجه و عذاب قرار داده است ولی همیشه بیشتر این شکنجه ها از بی فکری خودمان ناشی شده است و تقصیر با خودمان بوده است و من حاضر هستم این عرضی که میکنم در هر محکمه که تشکیل بدهند اثبات بکنم که تمام کسانی که زمام امور را در دست داشته اند حقیقه قصور و کوتاهی کرده اند و شایسته آن مقام و آن درجه بودند و متأسفانه بعضی ها هم بقدری جاه طلب بودند که مضایقه نداشتند مملکت را فدای منافع و جاه طلبی خودشان نمایند و حاضر بودند که مملکت از بین برود و خودشان باقی باشند.

بیمین اسفندیاری - عفی الله عما سلف

امیر تیمور - بلی بنده هم عرضی ندارم و بمرده لگد نمی زنم کاملاً نظر و فرمایش حضرتعالی صحیح است (عفی الله عما سلف) باری برای تهیه خواربار و مواد غذائی و تعدیل زندگی متوسل بقانون منع احتکار شدیم وزارت خواربار درست کردیم مستخدم خواربار یا مستشار خواربار آوردیم ولی باید اذعان کرد که هیچیک از اینها علاج درد ما را نکرد و دوا حقیقی درد نبود. (دولت شاهی این نان هم مستشار نمی خواهد) قانون منع احتکار نتیجه اش این بود که اگر اجناس یا موادی از غذائی و غیره در کشور باشد و در نزد مردم باشد از ترس قانون پیش کشی نمایند و مقدر باشد خارج شود که در دسترس دولت و مردم هیچوقت قرار نگیرد و بعقیده بنده بهتر بود که بجای قانون منع احتکار جایزه احتکار در مملکت داده شود یعنی دولت اعلان می کرد که هر کسیکه مثلاً در تهران هزار خروار گندم بیاورد و هزار

خروار لوبیا انبار کند چه بیاورد چه بیاورد من فلا نقدر باو جایزه میدهم و واقعاً جایزه بدهند تا باینوسیله مردم تشویق شوند و مواد غذائی و خواربار جمع کنندند اینک بوسیله قانون هیچکس جرأت نداشته باشد پنج من قوت لایموت را در خانه و منزل خودشان نگهدارند که امروزه در دسترس مردم باشند در دسترس دولت و دست گدائی ما هم بیشتر به بیگانگان دراز شود و این يك بدبختی است که خودمان تولید کردیم از قدم اول و تقصیر با هیچکس نبوده است. پنجاه میلیون تومان پول برای خرید خواربار اینجا دادیم که تمام از بین رفته است و علاوه من اطلاع دارم که مقدار زیادی هم پول از مواد انحصاری محمولات که وزارت خواربار متصدی آن بوده و بهای آن را دریافت داشته به عنوان خرید خواربار گرفته است از بین رفته است و از نتیجه این وزارت خواربار و بیچارگی و بدبختی مردم شاید ده یا نوزده نفر میلیونر شوند آقای مستشار خواربار را هم باید عرض کنم که واقعاً در این کار هیچگونه تخصصی نداشته (صحیح است) و بدرد اینکار مطلقاً نمی خورد (صحیح است) ممکن است ایشان مرد تاجری باشد مرد اقتصادی باشد یا همانطور که شنیدم در مصر دوا فروش بوده (خنده نمایندگان) يك دوا فروش خوبی باشد اما باید اذعان کرد که بدرد وزارت خواربار نمی خورد و با تفنن نمی شود يك مملکتی را از بین برد و مردم را از گرسنگی کشت بنده تمنی میکنم از آقای سهیلی اولین قدم شرطش این است به آقای شریدان يك کار دیگری رجوع کنند نگاهش بدارند پنج مرتبه حقوق هم زیاد تر بهش بدهند و بنده هم حاضرم بنام خود هر روز بایشان سلام تقدیم کنم ولی از این کار ایشان را بردارند چون شایستگی این کار را ندارند ممکن است يك مرد اقتصادی خوبی باشد ولی بدرد این کار نمی خورد اینک عیب نیست بنده یکمرتبه دیگر هم در موقع بحث لایحه خواربار در مجلس عرض کردم هر مقرراتی که میخواهید برای شهر تهران قرار بدهید نان را هم اگر میخواهید بصورت کوبن در آورید در بیاورید و کار خودتان را بکنید اما اجازه بدهید که پخت نان آزاد در این شهر برقرار باشد و مردم هم بتوانند از خارج آذوقه وارد کنند متأسفانه روی

بجاست آقای فرخ عملی نشد. الان هم همان عقیده را دارم آقای سهیلی شما هر مقرراتی دارید انجام بدهید ولی در عین حال اعلان کنید و خبر بدهید که اشخاصی که میخواهند پخت آزاد در تهران دائر کنند و آردشان را خودشان از خارج تهیه خواهند نمود دولت بآنها کمک میکند من بشما قول میدهم با این وسیله چندین دکان نانوائی آزاد ایجاد میشود که از این وضعیت بدبختی و پریشانی تاحدی جلوگیری خواهد کرد و بمردم کمک خواهد بود از این موضوع که بگذریم موضوع خود نان است آیا از وقتی که وزارت خواربار با کوپن نان را مقرر داشته واقعا این نان است که بمردم میدهند؟ بنده از اشخاصی هستم که در امر خواربار در جلسه علنی مجلس شورای ملی هیچوقت نخواستهام عرضی بکنم برای آنکه در مردم ایجاد وحشت نشود و برای دولت نگرانی واضطراب فراهم نشود و مجال داشته باشند که فکر خود را بکنند اما ناچارم عرضی کنم که این نان کوپن را حقیقه به سگ بدهند نمیخورد و قابل هضم نیست تمام مردمی که می خوردند تدریجا از بین میروند مردمی که قوت غالب آنها نان است و باید با این نان شکم خود و اطفال بیگناه و معصوم خود را سیر کنند چطور میتوانند این نان را بخورند اگر چهار صد گرم نمیتوانید بدهید ندهید همانکه میتوانید بدهید ولو روزی صد گرم باشد اما ما کول باشد نان خالص باشد که بتواند بیچاره مردم سد جوع کنند و توی نان فعلی تمام مواد خارجی هست شاید صدی پنجاه صدی شصت خاک آره و هزار کثافت دیگر این نتیجه عدم شایسته گی آقای شریدان است بنده هیچ عقیده به آقای شریدان ندارم جمعیت يك مملکتی این قدر بانزاکت نباید نیست و فدای عدم شایسته گی امثال شریدان میشود بروید غسالخانه احصائیه را در دست بگیری و ملاحظه کنید که مردم بدبخت که فقط و فقط با این نان باید سد جوع کنند روزی چند ضد نفر رهسپار دیار عدم و به غسالخانه میروند مسئول مردن اینها کیها هستند در وهله اول دولت است و بعد هم ما مسئول هستیم که ما تذکر بدهیم و راهنمایی بکنیم و ازدولت بخواهیم که حتماً فکر

صحیحی بکنند و قدم صحیحی بردارند و این کار را بدرستی انجام دهند بعد از موضوع خواربار عرض بنده در مسئله اداره باربری است در وزارت خواربار بنده آقای سهیلی جنابعالی و تمام هیئت دولت را بنام کشور و بنام پادشاه و بنام ملت و بنام مجلس ایران قسم میدهم این آئین نامه که برای اداره باربری بتصویب هیئت دولت آقای قوام رسیده و بموقع اجرا میگذرانند یکدفعه در هیئت دولت بخوانید بشرط آنکه یکساعت همه تان گوش بدهید یکساعت وقت خودتان را صرف این کار بکنید (بنام مملکت از شما استناد میکنم) خواهید دید مواد این آئین نامه از عهدنامه تر کمن چای بدتر است این موضوع را برای این متذکر شدم که در نظر داشته باشید که موضوع حمل و نقل مملکت اعم از موتوری و حیوانی با این آئین نامه بدتر از موضوع خواربار میشود مقصود این است که يك ایرانی قادر نباشد صد من بار از این شهر بآن شهر ببرد (صحیح است) ما چرا اینقدر بدبخت و بیچاره هستیم ما چرا اینقدر کر و کور هستیم که با دست خودمان با تصویب خودمان با قلم خودمان موجبات بیچارگی خودمان را فراهم کنیم این آئین نامه را الان آورده ام برای شما بخوانم تا ملاحظه بکنید از صد عهدنامه تر کمن چای بدتر است ولی برای احترام از توضیح وقت مجلس و برای اینکه رفقا و همکاران محترم را متاثر نکنم از قرائتش خود داری میکنم و استیفاء میکنم در هیئت دولت توجه بفرمائید و آنرا لغو کنید و از بین ببرید که سر تا پا مضر و بر خلاف قانون است و بدتر از مواد این آئین نامه این است که موضوع حمل و نقل را بصورت انحصار در آورده اند انحصار یکی از حقوقات مسلمه مجلس شورای ملی است بدون تصویب مجلس شورای ملی هیچ چیز را نمیشود انحصار کرد نمیشود باربری یا غیر آنها را انحصار کرد اگر انحصار برای کشور مصلحت است قانون بیاورید به مجلس و مجلس هم همه طرفدار شما هستند با شما موافقت میکنند که طبق صلاح مملکت این کار از مجلس بگذرد ولی بدون تصویب مجلس شورای ملی هیچکس نمیتواند انحصار کند این کار بر خلاف قانون اساسی است (صحیح است) و

همچنین بر خلاف قانون يك شخص خارجی را آورده اند در بار اداره باربری قرار داده اند من این شخص را نمی شناسم بنده است آدم خوبی باشد ممکن است آدم بدی باشد و بدرد ما نخورد و اسمش بر گل است ولی مسلم این است که استخدام او باید از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد پس از تصویب مجلس آنوقت کار بکنند بنده از آقای سهیلی استیفاء میکنم همین امروز که تشریف میبرند اول دستوری که میدهند این باشد که این آدم را از اینجا خارجش کنند (صحیح است) این بر خلاف قانون اساسی است که یک نفر اجنبی را برای کار باربری بدون تصویب مجلس شورای ملی بگذارند اگر لازم است که او را نگاه بدارند اول باید قانون استخدام او را بیاورند به مجلس تا مجلس تصویب کند بدون تصویب مجلس که نمیشود از این مسئله که بگذریم میرویم سر ماده چهار برنامه دولت البته همانطور که آقای نخست وزیر هم فرمودند بنده هم اضافه میکنم پس از اینکه مجلس شورای ملی پیمان همکاری با متفقین را تصویب کرد و بین ما و دو همپایه معظم ما روس و انگلیس پیمان منعقد شد تا الی حال از طرف تمام اهالی این کشور و از طرف مجلس شورای ملی و از طرف دولت در انجام و اجرای این پیمان نهایت اهتمام و سعی بعمل آمده و کوچکترین قدمی هم از طرف هیچیک از افراد کشور بر علیه متفقین برداشته نشده اما این پیمان که تمام از طرف ما نباید اجرا شود و پیمان يك طرفی نیست دو دولت معظم و بزرگ با ما پیمان اتحاد بسته اند متوقع هستیم از طرف آنها هم مقررات پیمان انجام شود و انجام تعهدات يك طرفه آنها از طرف ما نباشد و در خاطر بنده کلمه هست که باید اینجا عرض کنم و آن راجع به رفتاری است که بر خلاف دوستی و برخلاف پیمان و برخلاف اتحاد و برخلاف شئون يك کشور مستقلی چون ایران شده است و آن مسئله دستگیری و تبعید سرلشکر زاهدی است از ایران سرلشکر زاهدی يك ژنرال ایرانی است و اگر آن ژنرال برخلاف سیاست کشور و بر خلاف متفقین کاری کرده باشد تفاضی تعقیبش را بامدار کی که دارند بدولت بدهند و دولت بایستی او را تعقیب کند و رسیدگی کند و اگر تقصیری دارد مجازات

کنند نه اینکه بدون اطلاع قبلی بدولت او را دستگیر و از ایران خارج کنند بنده بنام يك فرد ایرانی باین عمل دولت دوست و هم پیمان خودمان انگلستان اعتراض میکنم و یکی از علل قوی مخالفت من با کابینه آقای قوام سر همین قضیه بود که لازم بود آقای قوام برای حفظ شرافت دولت باین عمل اعتراض بکنند اگر اعتراض او مورد توجه واقع نمی شد باز از نقطه نظر حفظ شرافت دولت لازم بود فوری استعفا بدهد و تا جائی که بنده اطلاع دارم در این امر اقدام نکرده اند و اگر اقدام کرده اند نتیجه نگرفتند و امروز استعفا ندادند و از همان وقت بنده در صدد مخالفت با دولت آقای قوام برآمدم برای اینکه برخلاف پرستیژ دولت رفتار کرده اند راجع به همکاری با دولت آمریکا البته اهالی این مملکت يك حسن نظر مخصوصی نسبت با امریکائیا دارند (صحیح است) و بنده هم آرزو مندم که این حسن نظر و حسن مناسبات روز بروز تحکیم بشود اما این تحکیم مناسبات و دوستی باید روی يك مقررات و اصولی تعیین شود اگر هر چقدر ما باهم دوست باشیم باز مسائلی در بین داریم که باید روی يك مقررات و اصولی باشد البته اگر ما پیمانی با دولت روس و انگلیس داریم با آنها مربوط نیست و شامل آمریکا نمی شود و چنین پیمانی که با آمریکا هنوز منعقد نکرده ایم قوای مسلح آمریکا که يك مملکت دمکراسی و آزاد بخواهی است بدون مجوز و برخلاف قانون بین المللی حق نداشته اند قدم بخاک مملکت ما بگذارند میخواستند قبلاً با ما يك پیمانی منعقد کنند و اجازه بگیرند و روی يك اصولی این مناسبات را دوستانه تضمین کنند و بنده تصور میکنم که دولت گذشته از فرط اطمینانی که به دوستی بین ایران و آمریکا داشته است در این کار اقدامی نکرده و حرفی نزده است ولی این اعتراض از نظر حقوقی باقی میماند و باید بشود و اینک من اعتراض میکنم و خواهش میکنم کابینه آقای سهیلی این موضوع را در نظر بگیرند این حفظ مناسبات روی يك اصولی مقرر شود و يك مقرراتی برایش تنظیم گردد و بالاخره اگر میخواهند بهتر است با ما پیمانی منعقد کنند اما اگر

بخواهند بدون هیچ مقرراتی و بدون مجوز قانونی قواداشته باشند و بعد هم که چنگ تمام شد بسلامتی يك لبخندی بمانند و بگویند متشکریم و بروند برای ما کافی نیست و تحمل پذیر نیست این کار را شما باید حتماً انجام دهید. بنده بیش از این عرضی ندارم و موفقیت شما را آقای سهیلی در خدمت بدولت خواستارم.

نمایندگان - صحیح است - احسنت.

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - بنده با این برنامه دولت موافقم و معتقدم که اگر همین چهار ماده عملی شود اکثر اعتراضات مرتفع خواهد شد در کلیات و این قولی است که همگی بر آنند و هیچ تردیدی نیست. چطور است که کلیات بد از آب در میآید عقیده بنده این است که بجز هائی که کل رانشکیل میدهد توجه در ایران کم میشود بدون توجه باینکه هر کلی از يك اجزائی تشکیل شده امور کوچک کوچک به تسامح می گذرد توجه بامور کوچک نمی شود و همیشه به کل توجه می کنند اصل نکته این است که تسامح در گذشته زیاد شده امروز هم هیچ علاجی ندارد جز اینکه همه قوای آمره و حاکمه کشور با يك وحدت نظری به دفع مشکلات بکوشند و بعمل بکشند در واقع وظیفه بزرگی که مجلس شورای ملی دارد این است که با يك اکثریت قاطع و روشنی از دولت پشتیبانی کند و مجال دهد که دولت با يك طول مدتی که میخواهد بر مشکلات فایز آید اکثریت هم بدولت یاد آوری بکنند که آن روح اصلاح طلبی را که در روح این مجلس مخفی مانده است در این مجلس و در بین ملت ایران يك روح اصلاح طلبی حقیقی موجود است همین مجلس و افراد آن نظر بعملیاتی که دولت بهمه دارد هنگامی که عملیات خوب شد بالطبع می بینید آراء دولت نسبت بلوا بچ آن بالا می رود و شاهد عرض بنده این دو ماهه آخر است که می دیدید موقعی که دولت تزلزل آمیز بود. هر وقت يك موضوع خوبی به مجلس می آمد آراء مجلس میرفت به هشتاد، نود ولی هر وقت يك موضوع دیگری به مجلس می آمد و غیر وارد تلقی میشد آراء دولت

بود ولی اینک عیب است و باعث نکس است دوره گذشته تمام امور جزء و کل همه شهرستانها را دولت هدایت بمرکز کرده قدرت هم داشته اما مدتی است که آن قوه و آن موتور خاموش شده است دولتهای بعد که میخواهند روی آن اصول رفتار کنند غافل از آنکه مأمورین متمرده شده اند و بفکر استفاده خود افتاده اند و با هم دیگر بطرز مخصوص سازش دارند و در همه جا باعث زحمت مردم و دولت شده اند بعضی احکام و اوامر دولت مرکزی را اطاعت نمی کنند بالاخره این تشکیلات که برای رفع احتیاجات مردم است با اصل منظور مطابق نیست مگر اینکه دولت در مرکز همان قدرت دولت سابق یعنی قدرت رضا شاه را پیدا کند و آنهم با مقتضیات امروز سازشی ندارد یعنی باید يك قدری قوه شهرستانها را زیاد کرد و توجه نمود بامور شهرستانها و رعایا بر گردانند به شهرستانها در گذشته تمام قصبات و شهرستانها برای این عمل از بین رفت یعنی متجاوز از يك صد قصبه از بین رفت و بجای آن خیابان و عمارت در شهر ساخته شده دولت هم بفکر جبران آن نبوده دولت باید اقلاً امر خوار بار مردم را در نظر داشته باشد و این اندازه وقت دولت در مرکز گرفته نشود یواش یواش شهرستانها را تقویت کنند و امورشان را از راه کشاورزی، تقویت کشاورزی آبادی املاک و مزارع از همانجا که خراب شده است قصبه را از آنجا سد ببندند و شروع باصلاح کنند، هوش از سرانسان می رود وقتی که از استان هشتم و هفتم دستشان را دراز میکنند بمرکز که نان بده گندم بده در حالی که کنار سرشان انبار غله ایران سیستان بوده است که در فاصله ده سال از صد و ده هزار خروار غله حاصل آنجا رسیده است به شش هزار خروار که آنهم بخودشان نمیرسد؟ اینهمه فقیر از کجا پیدا شده! ایران بود نان داشت مردم نان داشتند، پنجاه نفر اگر ظهر به کلبه زارع فقیری وارد میشدند غافل و بی اطلاع بهتر از يك لرد انگلیسی از آنها پذیرائی میکرد ولی امروز سرایت کرده آتش خانمان سوز و قحط و غلا باین مملکت و از روزی که ملت ایران قد برافراشته و مقدرات آتیه چند صد ساله خودشان را دارند، تأمین میکنند ملت شریف ایران را لاینقطع صدایش

برای نان باید بلند باشد؟! همین است وضع مملکت داری؟ مملکتی که میتواند سه مقابل این جمعیت را نان بدهد میتواند ده میلیون وارد را نان بدهد در نتیجه سوء تشکیلات ده دوازده ساله اخیر این خرابی پیش آمده است حالا عکس آن را عمل کنند اولاً در زمان گذشته تمام توجهشان به شهرستانها بود و میرفتند يك عده رجال بالای بلندی و میدیدند مردم دارند خیابان میسازند و چند صد دهکده آباد ویران شد نایک خیابان شاه رضا درست شد. شما می دانید چیرفت که ده هزار خروار برنج داشت برنجش ممنوع شد در برابرش يك چیزی در مملکت درست شد که سالی چند صد هزار تومان خرج دارد. در مقابل آن چقدر دهکده های کوچک و مزارع و قصبات ویران شد و از طرفی هم در شهرستانها طبقات کشور از بین رفت، کسانی که نان داشتند زندگی میکردند از بین رفتند این است که کار باینجا رسیده است پس تقویت بفرمائید از جاهای حاصلخیز و توجهی بفرمائید بامور شهرستانها بلکه جنگ سه سال طول کشید چهار سال طول کشید بنده اذغان دارم و اعتقاد دارم و صحیح است که حوادث جنگ يك مشکلاتی درست میکند ایرانی ها ایرانی های ساده تصور میکنند که تمام این اوضاع برای آنها فراهم شده خوب حق دارند از روی حکمیت خودشان قضاوت میکنند در صورتی که اینطور نیست چنانکه شاعر گفته دریا بوجود خویش موجی دارد و خس پندارد که این کشا کش از اوست يك طوفانی در دنیا پیدا شده است هر ملتی که حسن استنباط داشته باشد میتواند خودش را از گرداب بلا رهایی دهد اگر نداشته باشد غرق میشود. شك و شبیه های نیست که جنگ برای ما يك صعوبتهائی ایجاد کرده ولی بیشتر مشکلات ما از قامت ناساز بی اندام خودمان است بالاخره آیا جنگ بمامورین ما گفت که از آن کسی که هزار خروار جنس دارد پول ازش بگیرند و لش کنند و آن کسی که برای خوراک خودش دو خروار حاصل دارد ازش بگیرند و بعنوان تأمین غذای شهری از گلوی دهائی بیرون بیاورند. این تمرد را جنگ یاد داده است؟ مجازات بفرمائید کیفر کنید! با کمال جدیت! هیچ رحم نکنید با آنها! می

که باخون مردم بازی میکنند این مجلس شورای ملی و این هیئت دولت که اینجا نشسته است بالاخره مسؤولیت کامل دارد و بالاخره پیرو آن آئینی است که رئیس آن آئین میگفت که من چطور با اسم ولایت و با اسم امارت راضی بشوم و حال آنکه در يك بلاد دور دست یکنفر گرسنه بخوابد در مملکت شما در مرکز مملکت شب و روز به بینید چند صد نفر تلفات دارد میفرمایند در مجلس شورای ملی بنده هم راجع بخوار بار صحبت میکردم باعث استیحا ش میشده است آقا چه استیحا ش! این نان است که می بینید! از این دکان نانوائی بدتر؟ استیحا ش صحیح است، اوایل استیحا ش بود ولی دولت در مقابل هزاران متعددی که در مملکت بود و جان مردم را گرفته بودند بالاخره چسبید گاهی چند نفر ارباب مطبوعات و روزنامه نویسان را! ملاحظه کنید این اشخاص مقصر بودند؟ گوش ما حاضر برای شنیدن حرف نبود، همه را ول کردند آمدند اینهارا گرفتند. بهر حال این یکی از آن خرابکاریهای گذشته بوده است و از گذشته هم بنده صحبت نمیکنم. درخاتمه هم آقای دکتر سنک خیلی سنک بسینه میزنند و در واقع هم حق دارند، امسال ملت ایران ابراز لیاقت کرد و در عین حالی که بیست سال بگوش از آیه مادیت خوانده شده بود معنویت بخرج داد ولی با این حال با دادن پول و کمک بعامه مردم بدون اینکه کاری در برابر داشته باشد بنده مخالفم، احیای نفس خوب است از طریق اینکه يك بیکاری را وارد کار بکنند بنده پیشنهاد میکنم کاری بکنند که این انجمنهای خیریه يك رویه صحیحی بخودش بگیرد بدیهی است امسال هم مشکل بود اگر این اقدامات را نمیکردند عده تلفات بیشتر بود تمام اینها را اذعان دارم ولی یکی از محاسن دوره گذشته ما این بود که داشت فقیر و سائل بکف کم میشد و حالا دارد زیاد میشود خوب است بجای این هر چه می توانند این انجمنهای خیریه و تجار محترم در برابر کار بدون اینکه بظن داشته باشند که کار این فرد تکافؤ بمزد او میکند یا نه با آنها کمک بکنند یعنی بداند که در برابر کار نان میخورد و مناعت طبع یکنفر ایرانی از بین نرود

فریدونی - عرض کنم از طرف وزارت پیشه و هنر پیشنهادی بدولت شد که حقوق کارگران را دو مقابل کنند نسبت به مهر ۱۳۲۰ این ترتیب نسبت بکارگران کارخانه - های خودشان عمل هم شده کارگرهای چاپخانه مجلس که چون قانونی نداشت به آنها داده نشده ولی هر کدام این ها سی و پنج تومان و چهل تومان یا پنجاه تومان حقوق دارند اینست که لایحه اصلاح بودجه برای دو ماه تقدیم می شود که آقایان تصویب بفرمایند.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل وساعت چهار

و سه ربع بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای نقابت

نقابت - بنده يك یاد داشت های بالنسبه مفصل و لسی کوتاه کوتاهی تهیه کرده بودم بعنوان یاد آوری و تذکر به آقایان وزراء منتها کسالت مزاج باعث شد که بکوتاهی بپردازم. البته اینکه عرض کردم در يك همچو فرصت و موقعی میل دارد ملت با دولت خودش حرف بزند عنوان لجاج و احتجاج نیست، عنوان محاجه نیست، عنوان این نیست که بنده يك عرایضی بکنم و انتظار يك جوابی از دولت داشته باشم، چون در مقام سؤال نیستم، در مقام استیضاح نیستم بلکه در مقام بیان يك حقایق و يك درد هائی و يك ارائه طریقی هستم، گاهی هست که بنده اشتباه میکنم تذکر میدهند که اشتباه است گاه هست که تذکرات بنده صحیح است اجرا میشود پس بنده قصد همکاری دارم مقصد کمک دارم و معتقدم هیئت دولت یعنی يك هیئت دوازده نفری یا چهارده نفری بدون پشتیبانی مجلس، بدون پشتیبانی ملت، بدون پشتیبانی مطبوعات، بدون پشتیبانی يك جامعه نمیتواند کار را از پیش ببرد. کار کردن یعنی اسباب کار داشتن، کار کردن یعنی موانع کار را از بین بردن و بالاخره بایستی که تمام موجدانی که کاری را ایجاب میکنند فراهم بشود تا يك کاری پیشرفت کند.

در برنامه ذکر شده است طی ماده يك «تهیه مواد غذایی که آنآ مورد حاجت است» یکقدری دقت بفرمایند مثلاً اگر بنده مدعی بشوم که آنآ کیمیا تهیه و تقدیم میکنم

شاید باور نفرمائید پس اشخاصی که میدانند مشکل است تهیه کردنش حق دارند که از بنده بپرسند چگونه تهیه میکنند. مواد غذایی که سمبل یا سردسته آنها گندم است باید دید چطور تهیه میشود گندم یکی از محصولات فلاحتی است اول باید کاشته شود بعد باید يك دوره زمان طبیعی را طی کند، سبز بشود تا زارع گندم داشته باشد، اینک الان، آنآ تهیه شود ممکن نیست، در هیچ مزرعه نمی شود. پس چاره چیست؟ ناچاریم فرض کنیم که دولت يك مبلغی از مواد غذایی در اختیار خودش دارد که آنآ در دسترس عامه میگذازد؛ این متبوع کجاست؟ در داخل ایران است یا در خارج است؟ اگر شایعاتی هست، اگر گفته میشود که ایران گندم دارد و بیش از حاجت دارد و احتکار میکند ما این شایعات را تکذیب میکنیم (صحیح است) گندم در ایران نیست، حالا که نیست باید رفت سراغ منابع خارجی و گندم را از خارج آورد، خارجیها مردمان درستی هستند اروپائی عادت کرده است بقول خودش عمل کند بشرط اینکه قول بدهد، گاهی ما اشتباه میکنیم قول داده شده است، درست دقت بفرمائید اگر قول داد، اگر قبول کرد اگر تعهد کرد و اگر باور کرد قطعاً انجام میدهد، قطعاً اجرا میکنند. چند روز پیش در روزنامه خواندم مستر - روزولت بیانیه ای داده است و گفته است که من با مستر - چرچیل صحبت کردم که بعد از اینکه کار فلان دشمن مشترك را خاتمه دادیم باتفاق برویم سراغ فلان دشمن مشترك دیگر ایشان گفتند که با هم قرار داد به بندیم من گفتم که من با ملت نجیب انگلستان قرار داد لازم نمیدانم ببندم حرف قول کافی است. این طرز کار آنهاست حرف قبول کافی است اما ما اسنادی در دست داریم که ما بد عمل کردیم و با آنها حالی نکردیم که ما گندم نداریم ما ثابت نکردیم، بنده سند دارم، سندش کدام است؟ در کابینه سابق يك پرتکلی امضا شده، يك صورت مجلس در کابینه سابق امضا شده، در جراید هم انتشار دادند که در آن صورت مجلس نوشته شده بود که هر گناه نمایندگان چهار دولت تصدیق کردند و قانع شدند بر اینکه مواد ضروری

در این قسمت توجه کنید و بیشتر توجه کنید.

رئیس - آقایان پیشنهاد ختم جلسه کرده اند. آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم که موقعیت مملکت ایجاب میکند که هر چه زودتر تکلیف دولت معلوم شود (صحیح است) دولت میخواهد کار بکند بحرف که عمل نمیشود نان باید تهیه شود کارهای مملکت باید انجام بشود (جمعی از نمایندگان عصر جلسه بشود) بعقیده بنده مجلس نشان داده است همانطور که بعضی آقایان اینجا صحبت کردند صدر صد همکاری با دولت دارد و حاضر است با دولت همکاری بکند و تقویت بکند دولت را الا آن بیانات آقایان همه حاکی از مشکلاتی است که در پیش است این مشکلات را با نیروی دولت باید از بین برد، مجلس شورای ملی در این موقع باید دولت را تقویت بکند بنظر بنده این بیاناتی را که میخواهند آقایان بکنند بنظر دولت بیشتر واضح و روشن است امروز احتیاجی نداریم که از مشکلات بیاناتی بکنیم خود آقای نخست وزیر هم اینجا اشاره فرمودند که مشکلات با اندازه ای محسوس شده که همه متوجه هستند بعقیده بنده باید کاری بکنیم که دولت کارش يك روز هم لنگگ و معطل نشود یا موافقت بفرمایند تا دو بعد از ظهر هم شده است بنشینیم (يك روز هم ما مثل مأمورین دولت تا سه بعد از ظهر در مجلس باشیم چه عیب دارد) آقایان بیانات خودشان را بکنند برنامه دولت تمام بشود تکلیف دولت معلوم شود و مشغول کار بشود یا اینکه تنفس بدیم سه ساعت بعد از ظهر آقایان تشریف بیاورند اینجا و این کار را امروز تمام کنیم.

نخست وزیر - خواستم استدعا کنم چون کارهایی در دست است که باید تکلیف آن معلوم بشود اگر آقایان خسته شده اند تصویب بفرمائید که حالا تنفس بشود بعد از ظهر جلسه ادامه پیدا بکند.

رئیس - برای خستگی آقایان نیست آقایان خسته نشده اند ولی بقدری اجازه ها مانده است که تا سه ساعت بعد از ظهر هم بیشتر طول میکشد اگر اجازه میفرمائید سه ساعت بعد از ظهر را قرار بگذاریم. آقای فریدونی مطلب لازمی دارید بفرمائید.

و گندم در ایران مطلقاً وجود ندارد آنوقت مساعدت های لازم خواهند کرد. این را البته آقایان در روزنامه ها خواندند، این صورت مجلس دلیل قطعی بر این است که خارجی ها، متفقین ما، دوستان ما هنوز اعتقاد ندارند که ما گندم نداریم. دولتهای ما با خلوص نیت، با شجاعت، با بیان واقع سفره دل ما را باز نکردند پیش آنها و حال این مملکت را با آنها آشکار نکردند اگر کرده بودند... (همه هم نمایندگان) (دکتر طاهری - آنها قول که دادند اقدام هم کرده اند) آقایان اجازه بدهند من عریضه را بکنم ما نمیخواهیم از دوستان خودمان گله بکنیم، شکایت بکنیم، ما نمیخواهیم از دولت خودمان، از فرزندان برومند مملکت خودمان که اسمشان وزیر است گله کنیم بگوئیم آقا ما که در تماس با آنها نیستیم، ما که نمیتوانیم اسناد را ببریم با آنها نشان بدهیم شما میان ما و آنها فاصله هستید، شما با خلوص نیت این مسائل را با آنها ثابت کنید. این صورت مجلس را بدست هر کس بدهید که انتشار یافته دلیل سوء ظن است این دلیل بر این است که مطلب کاملاً حالی نشده است، آقایان نمایندگان محترم آیا گندم بقدر کافی در این مملکت هست (نمایندگان - خیر هیچ نیست) پس حالا که نیست دولت از قول مجلس شورای ملی، از قول اکثریت، از قول مناظر دکانهای نانوائی، از قول خانه دارها، از قول اشخاص از قول فقرا، از قول رنجبران، از قول کارگران، از قول اعیان، از قول همه به متفقین ما بگویند که ما گندم بقدر کفایت نداریم، وقتی که نداریم باید بما کمک بکنند و کمک هم میکنند (انوار - نمیدهند آقا!) خواهش دارم چوبش نزید آقای انوار، آقا طرز زندگانی و عمل آنها طرز قول آنها با ما تفاوت دارد. بنده در اینجا اجازه میخواهم يك مثالی هم عرض کنم این مثل این است که يك مهمانی بخاوادهای برسد...

رئیس - آقای نقابت دولتهای سابق هم از تذکر و اقدام مقتضی قصور نکرده اند چنانکه از مقالات جراید خارجی هم معلوم است متفقین ما هم از تنگی وضع خوار بار داخلی ایران بی خبر نیستند

جمعی از نمایندگان - آقا بگذارید حرفشان را بزنند. بفرمائید آقا.

نقابت - عرض کنم البته آنها هم زحمت خودشان را کشیده اند ما هم داریم زحمت خودمان را میکشیم. میفرمائید ما زحمت خودمان را نکشیم؟ از بنده چه کاری ساخته است جز بیان حقایق. فرض بفرمائید مهمانی بخاواده يك ایرانی رسید شب است چیزی هم در دستگاه ندارد ایرانی عادتش این است که مهمان را رد نمیکند بخانه همسایه می رود قرض میکند، حتی اینکه غذای بازار میخورد و در دیکهای خانگی میگذارد و آبرو داری میکند پذیرائی میکند، اما اگر احیاناً با این مهمان يك قرارداد دوستی هم داشت این مهمان حق دارد از صاحب خانه گله کند که آقا اگر نداشتی چرا بمن نگفتی من بتو کمک میکردم این است که ناچار باید در این طور مواقع حقایق امر را آشکار کرد (صحیح است) مگر دولت آمریکا که باین مملکت در آن سال قحطی این همه کمک کرد، این همه گندم داد، این همه مساعدت کرد مگر باما قرارداد داشت قراردادى نداشت و کمک کرد. يك مملکتی که برای آزادی ملل دیگر وارد جنگ میشود اینها هیچ قراردادی هم که نداشته باشند برای يك مملکتی زحمت میکشند جنگ میکنند. مگر چند روز پیش نبود که شنیدید که صد هزار تن گندم برای ترکیه رفت البته برای ما هم می آید (هاشمی - تکذیب کردند) مگر فراموش فرمودید که در جلسه خصوصی گذشته گفته شد که گندم و برنج از ما خواسته اند ولی در مقابل وعده شده است که پنجاه و شش هزار تن هم عنقریب وارد می شود (صحیح است) اینجا هم آقای نخست وزیر فرمودند قرار است بیاید منتها مقدارش را نگفتند، حالا اگر عریض بنده صحیح نیست رئیس دولت فعلی تشریف بیاورند اینجا بفرمایند که ایران تا سر خرمن گندم دارد اگر ندارد خوب بگویند ثابت بکنند اسناد بدهند این همه حمله کردن و گوساله بسته را کتک زدن و بعنوان احتکار دوسیه ها بستن و مزاحم مردم شدن چیست؟! آقایان ما خودمان اینکارها را میکنیم، خودمان تهیه سند

میکشیم. میگوئیم آقا ما همه چیز داریم (صحیح است) بگویند که نداریم آنها هم کمال همراهی را با ما دارند... (محیط لاریجانی - آرزو که داشتیم گفتم نخریدند) این يك نکته است که بنده خواستم بعرض برسانم و باین وسیله هم يك حقیقتی را گفته باشم و هم همکاری کرده باشم بادولت که اتخاذ سند بکنند و اگر مطالبی لازم است تذکر داده شود قبلاً بعضی آقایان گله کردند که در اطراف طهران مشغول هستند بعضی زراعتها را حتی قبلاً میخردند (صحیح است) حتی زارع میگوید ممکن است آفت به گندم من بزند میگویند خوب اگر آفت زد ما از شما نمیگیریم و مساعدت میکنیم باز از این حرف ما يك مرتبه متوجه ماده چهار برنامه دولت میشویم که عنوان تثبیت قیمتها است، که عنوان پائین آوردن سطح زندگانی است باز بنده می بینم هر دولتی که این ادعا را بکند مثل همان تهیه کیمیا است و باز بنده می بینم که اسباب کلچور نیست مگر اینکه يك فکر اساسی دارند (که بنده تکذیب نمیکند البته باید صحیح هم باشد) آن فکر را میخواهند تکمیل بکنند اما تثبیت قیمت در این مملکت فرض این است که دولت تمام ضروریات مملکت را در دست داشته باشد و خریدار را محدود بکند نه فروشنده را، هر کس هر جنسی تولید میکند بدهد بدولت هر کس جنس وارد میکند بگذارد در اختیار دولت، دولت هم يك تقسیم عادلانه بکند بدهد غدغن بکند که هیچکس حق ندارد بخرد، طبعاً وقتی فروشنده مشتری نداشت بدولت میفرود شد و وقتی این موضوع بتمام کلمه از ضروریات زندگانی مجری شد آنوقت نتیجه می گیریم قیمت ها را تثبیت میکنیم میگوئیم شکر مثلاً کیلوئی فلانقدر ریال این عمای است اما اگر شما دو مشتری سه مشتری توی بازار داشتید که یکی از آنها مثل بنده محدود بود، محدودیت من محدودیت بایدهات من است محدودیت به حقوق من است محدودیت ثروت و توانائی من است اما اگر يك مشتری دیگر توی بازار بود ~~که~~ محدودیت نداشت، آزاد بود در خرید آزاد بود در پیش خرید، آزاد بود در زبادی در مصرف آنوقت دیگر شما تثبیت قیمت نمیتوانید بکنید، دو چندین ماه قبل بنده اینجا حرف را مطرح کردم

و مثال هم زدیم که وقتی ما میرویم بدکان کفاش يك جفت کفش بخریم در آن تاریخ میگفت سی و پنج تومان و لای بلافاصله یک نفر خارجی وارد میشد و میخرد هفتاد تومان این ترتیب يك عیبی دارد که اخلاق تولید کننده را فاسد میکند وقتی که تولید کننده می بیند بازحمت کمتر میتواند بفع بیشتر بر درو تینه و تنبل میشود کار نمیکند بجای ده جفت تولید جنس چهار جفت تولید میکنند بالاخره موجودی يك کشور کم میشود. این موضوع اقتصادی است فکر بنده نیست اینها در تمام کتب اقتصادی هست که در مورد سور پوپولاسیون عمل میکنند چه عیبی دارد که دولت بامتفقین ما با دوستهای ما وارد مذاکره بشوند بگویند که آقا تمام این عده که شما دارید تمام وارداتی که شما دارید حاجات اینها را احصا بکنید تمام اینها را روی يك صورتی بیاورید ما خودمان تهیه میکنیم بشما میدهم آنچه را که شما دارید بما بدهید ما در انبار خودمان نگاه میداریم بشما میدهم آنها دیگر پول نداشته باشند توی بازار آزادانه بخرند، پول نداشته باشند در کارخانهها بروند، در کفاشی بروند، در پارچه فروشی بروند، در ساعت فروشی بروند، مشتری متفرق که در بازار آمد مشتری غیر محدود خودش بازار را بهم میزند و آنوقت دولت هر حکمی که صادر میکند و مجلس هر قانونی که تصویب میکند ولو با مجازات اعدام (ممکن است که چند نفر هم اعدام بشوند) ولی تأثیر نمی کند، قاچاق داخلی شروع میشود و آنوقت جلو قاچاق را نمیشود گرفت اینها يك مسائل خیلی بارز و روشنی است بنابراین وقتی بنده می بینم می شنوم تهیه گندم آبی برای حوائج آبی کشور و بعد تثبیت نرخ و تعیین يك مقرراتی برای پائین آوردن سطح زندگانی در برنامه ذکر شده معتقد میشوم که اگر اسباب کار را جور نکرده باشند و بیان نکنند که با چه اسبابی میخواهند اینکار را بکنند بطور قطع و یقین بنده میگویم این عمل مثل کیمیا سازی است و بیک قدری مشکل است و بنده ناچارم یعنی امیدوارم که دولت حاضر تمام این مسائل را پیش بینی کرده باشند و يك چاره اندیشیده باشند که این کارها را بکنند و بعقیده بنده (همیشه این مطلب را تکرار کرده ام باز هم می کنم)

این مملکت دفاع اقتصادی میخواهد پس باید يك هیئتی مرکب از متخصصین ، از فضلا ، از تجار فهمیده دعوت شوند (چون يك فرمولهائی هست در مملکت ما این راهم عرض می کنم در پراوتر که این فرموله اسباب زحمت شده مثلا ما میخواهیم مملکتی را با فغانی را باز دید کنیم نگاه میکنیم اطراف آن می بینیم کی ملك زیادی دارد آنوقت برای دیدن آن فغان دعوتش میکنیم در صورتیکه این صحیح نیست ممکن است يك کسی خیلی ملك داشته باشد اما خبره نباشد اما فلان استاد مقنی که يك متر زمین هم نداشته باشد خبره باشد) این راهم بنده عرض میکنم که از متخصصین فنی و از کسانی که اهل اطلاع هستند ، از کسانی که کار کرده و زحمت کشیده اند باید دعوت شوند صرفاً آنکاه به میسیون آمریکائی نکنیم اینقدر بار روی دوش آنها نگذاریم که نتوانند حمل کنند و از آنها پرسیم که چه جور میخواهند کار کنند يك روزی ما يك عده از دکترهای اروپا برگشته نداشتیم ، يکروزی ما تماس با ممالک دنیا نداشتیم ، امروز رادیو مارا با دنیا متصل کرده است برق هست تلفن هست ، مسافرت کتاب هست رفت و آمد هست بالاخره ایران هم يك گوشه از ممالک متمدنه است با تمام این اسباب کار که داریم باید با آنها بحث کنیم که با چه نوع اسبابی شما میخواهید این نتیجه را بگیرید ، در يك کمیسیونی مؤزد بحث قرار بدهید این را حل کنید مطلب را بررسی کنید بعد از آن طریقه آن ترتیب آن رویه ای را که میشود اجرا و عمل کرد آن را بدست دولت بدهند دولت اجرا میکند ، این دماغ اقتصادی باید سنجیده و فهمیده مسائل را بررسی کند و يك فرمولهائی داشته باشد که قابل عمل و اجرا باشد والا هر چه قال و قیل کنیم دعوی کنیم توی سر همدیگر بزینم ، بنده آقا رامتهم کنم ، آقابن حمله کند اینها دردی از دل مردم بر نمیدارد روز بروز هم بدتر میشود ، آخرین شش ماه یا آخرین هشت ماه دوره مجلس شورای ملی است بنده میترسم يك روزی این کرسیها را ما ترك کنیم (البته بعضی ها والا آقایانی که دارای زمینهای کامل هستند خواهند بود) و نتوانیم بگوئیم که دردی رادوا کرده ایم ، آنوقت يک قدری باید بمر از دست رفته تأسف

خورد . بهر صورت اینها يك مسائلی است که برای امور اقتصادی در نظر هست و بایستی بشود . اما در سیاست داخلی و اوضاع اداری اوضاع اداری مان خراب است من نمی خواهم بگویم که حقیقه خراب است البته وقتی که در يك وزارتخانه فرض کنید بهداری چهار تا مدیر کل بروند بمعاون حمله کنند یا در يك جائی بگویند چون دیروز فلان وزیر رفته امروز حکمش ارزش ندارد یا فلان بگویند چون آقای قوام السلطنه مستعفی شد هر حکمی که داده است باطل است اینها يك سوء انتظامی تولید میکند و اثبات میکند عدم رشد این افراد را (نه عدم رشد مملکت را) مملکت ایران پیش از تمام این جریانات رشید بوده امروز هم هست و ما مردمان متفکر داریم و خواهیم داشت و این افکار در ما هست یعنی عوامل حیات در ما هست اگر احیاناً مرض پیدا شده يك گریب اجتماعی مبتلا شده ایم امیدواریم با این دوازده نفر یا چهارده نفر طبیب حاذق که بنام دولت می پذیریم معالجه بشویم . يك مسئله که خیلی بعقیده بنده طرف اهمیت است در درجه اول قضیه مطبوعات است . مطبوعات را بایستی دولت در دست داشته باشد مجلس هم در دست داشته باشد . مطبوعات باید جزء لاینفك مجلس و دولت باشد (صحیح است) اگر احیاناً در بین آنها بعضی ناجور هستند آنها را هم در تحت لوای تربیت اجتماعی جمع آوری بکنند و این قوه را که قوه تبلیغات است برای تشجید اذهان برای رفع شایبه برای عدم تشویش بکار بریم . بنده خیلی متأسفم که گاهی قبل از هفدهم آذر در بعضی مطبوعات شروع کردند باینکه استشمام انقلاب میگردند که الان انقلابی پیدا میشود و بعد هم يك حوادثی رخ داد که بشوخی بیشتر شبیه بود بعد از آن هم باز شروع شده باین حرفها . بنده خواهش میکنم ، تمنی میکنم از فرزندان برومند این مملکت که مدیران جرائد و صاحبان مطبوعات هستند يك خرده توجه بکنند يك ملت بیچاره گرفتار در دهلیز جنگ واقع شده ای را منقلب نکنند و آبی به احساسات آنها بپاشند (صحیح است) اگر توی خانه هامان گندم داریم باید با دیگران بخوریم بالاخره بهم کمک بکنیم و همه ما مجموعاً يك صدا داشته باشیم و آن صدا استقلال ایران و حیات

ایران است (صحیح است - احسنت) :

رئیس - آقای طوسی .

طوسی - يك تابلویی در اینجا گذاشته شده است که موافق و مخالف در آنجا اسامی خود را یاد داشت کنند (جمعی از نمایندگان - کسی مخالف نیست آقا) بسیار خوب اجازه بفرمائید و چون در مذاکرات آقایان چیزی ندیدم جز يك سلسله تذکراتی از گذشته و تأسف از اینکه چرا يك مدتی از عمر ایران با سوء نیت خدای نخواسته تلف شده و باید جبران کنیم پس صحبت مخالفت نبود و تذکراتی بود (صحیح است) البته بنده هم بسهم خودم امیدوارم دولت کنونی با تجربیاتی که از سابق دارند اقدامات مؤثر تر و بهتری بکنند بلکه این فکری را که در بعضی از مغزها هست بطوریکه مطالب خاطر همه آقایان باشد انجام بدهند این است که بنده هم بهمکاران محترم خودم تایید میکنم و تذکراتی میدهم و سعی میکنم خیلی مختصر عرض کنم . در ماده ۳ برنامه دولت اشاره شده است باصلاح بامور کارمندان دولت همچنین جناب آقای نخست وزیر هم قبل از ظهر در همین جا این وعده را فرمودند که دفع اینها مرتب خواهد شد بنده يك نکته رادر نظر دارم که آقایان هم توجه بفرمایند و آن این است که با وضعیت فعلی کشور هر قدر هم بکارمندان دولت اضافه داده شود جز اینکه سطح زندگی را بالاتر ببرد و بر بد بختی مستخدمین بیفزاید هیچ اثر دیگری نخواهد داشت (صحیح است) باید کاری شود که وسائل معاش آنها از هر حیث مرتب باشد که آنها تشتت و نگرانی از وضع زندگی و خانه و عائله و اطفاشان نداشته باشند (صحیح است) حالا آن چه جور باید باشد البته بنده نمیتوانم و نمیخواهم روی آن اظهار عقیده بکنم و البته در مقابل توجهات عمیقی که دولت داشته و دارند اقدام مؤثر خواهند نمود (صحیح است) یکی دیگر موضوع اجحافاتی است که نسبت بمطبوعات شده است البته بنده نمیخواهم ذکر کرده باشم اسامی بعضی از روزنامه های مهم را که خدمات زیادی باین کشور کرده اند و همینطور تا کنون در محاق توقیف و بلا تکلیفی مانده اند (صحیح است) و بنده ناچارم اینجا استدعا کنم که باین کار يك صورتی بدهند

که تعیین تکلیف این جرائد شده باشد و بهتر از این موقع برای این موضوع بدست نیامد (صحیح است) دیگر این نکته است که خیلی بنده معتقدم بآن و تصور میکنم اغلب آقایان در این قضیه با بنده هم عقیده باشند و آن راجع برسیدگی بقضیه روز ۱۷ آذر است این را استدعا میکنم دولت يک قدری توجه بیشتری مبذول فرمایند تا واقعاً مسببین اصلی این واقعه معلوم شود کیست زیرا يك حرفهائی در خارج و داخل حتی در همین مجلس هم گاهی تك تك شنیده میشود ولی اینها هیچکدام ما را بمقصود نمیرساند و نتیجه ندارد ملاحظه بفرمائید آقایان چه روز بدی بود آنروز چه روز شومی بود برای ملت ایران (صحیح است) چه روز ننگینی بود که هیچوقت قابل فراموشی نیست (صحیح است) برای هیچکس و آبروی ما را بالمره در داخل و خارج بود بنده مخصوصاً استدعا میکنم از آقای نخست وزیر و هیئت محترم دولت که این قضیه را مورد توجه قرار بدهند که مسببین چه اشخاصی بوده اند و بزودی کشف بشود و بیشتر مجلس شورای ملی از این قسمت متشکر خواهد شد (صحیح است) يك موضوع دیگری که چندی قبل هم تذکرأ عرض کردم اگر چه قابل تذکر هم نیست و خیلی کوچک است . . . چندی قبل نسبت به بعضی از کارمندان از جمله کارخانجات که قرار بود آن دو ماه مساعدت بشود و نشده بود بنده با آقای وزیر پیشه و هنر وقت تذکرأ عرض کردم ایشان هم وعده فرمودند اقدام در این قضیه خواهم کرد ولی باز امروز بتوسط بنده شرحی بمقام ریاست مجلس شورای ملی نوشته و تقدیم کرده اند که هنوز در این موضوع اقدامی نشده و انجام نشده است در صورتیکه اینها هم از خدمتگذاران این مملکت هستند و باید با آنها هم مثل سایرین مساعدت بشود (صحیح است) عرض دیگر بنده که باز هم کوچک و نا قابل است آن موضوع نفت است که عمل نفت هم در این شهر مثل عمل نان شده است در هر دو کان نفت فروشی ملاحظه میفرمائید پشت سر هم چقدر جمعیت ایستاده اند بطوریکه نمیشود آبر از هم جدا کرد و ردشان نمود و این را هم بنده خواستم تذکرأ حضورتان عرض کنم که در این باب هم توجهی مبذول

بشود. این تذکر بنده بوده و تمام رفقا هم که تذکر دادند همه موافق بودند يك قسمت دیگر هم که باید تذکر بدهم این است که دوره سیزدهم مجلس شورای ملی بلا شك مطابق صورت مجلس ها اگر ملاحظه بفرمائید يك افتخارات خیلی خیلی بزرگی برای خودش باقی گذاشته است حالا هم تقریباً دو ثلث این دوره گذشته و باقی مانده است هفت هشت ماه خیلی خیلی خوب کار کرده است حالا هم البته همینطور هست و امیدواری می رود با يك نظر متفق و متحد و صمیمانه طوری بشود که این هفت هشت ماه را هم بر گذار کنیم و همانطور که آقای نقابت هم فرمودند کرسی ها را با افتخار ترك کنیم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در ماده اول اجازه خواسته بودم (بعضی از نمایندگان - در برنامه دولت که مواد مطرح نمیشود)

رئیس - بفرمائید.

مؤید احمدی - يك کلمه اول در تعقیب بیانات آقای طوسی می خواهم عرض کنم که این جا نظامنامه مجلس پیش بینی نکرده است و الا روی دستون مینویسیم موافق و مخالف. بنده موافق هستم و می خواهم تذکرات خودم را در برنامه دولت بدهم حالا در کجا باید بنویسم موافق یا مخالف (نبیل سمعی - در حاشیه بنویسید آقا) (خنده نمایندگان) مخالفی نیست آقا لیکن چون علاج نیست اجازه که می خواستم بنویسم توی ستون مخالف است و الا کسی که مخالف نیست که کسی چیزی بنویسد. عرض کنم همینطور که فرمودند قصد ما از این که اجازه میگیریم يك تذکراتی است که بفکرمان میرسد که بدولت عرضه داریم که اگر ممکن است انجام دهند ملاحظه بفرمائید بنده بشهادت آقای رئیس چون در اطاق ایشان بود که نخست وزیر سابق هم بود که يك پیشنهادی يك نفر فرستاده بود از قم باسم بنده آوردم در آن اطاق همه تحسین کردند که به چه فکر خوبی است. بدهید بما ما اقدام میکنیم همگی این را گفتند ولی بعداً اصلاً اقدام نکردند و آن موضوع سلف خری است آقا این شوخی نیست

اصلاً پولش را هم نداده است.

دکتر طاهری - نیست همچو چیزی آقا

مؤید احمدی - عجب حکایتی است آقا (مستشار تحقیق

آن که ضرری ندارد آقا) بلی تحقیق آن ضرر ندارد که این روزها که نان فروخته میشود و قند و چای فروخته میشود پول این ها می رود بخزانة دولت یا می رود اشکالی ندارد توجه فرمودید این هم یکی از عوامل بود که باید آنها را دقت بکنید پس مجلس از حیث پول بعقیده بنده نهایت سخاوت را کرده است و اما از حیث همراهی قانون منع احتکار گذرانده آئین نامه گذرانده و بهش داده است دیگر مجلس شورای ملی چه کار کند مجلس در اجرائیات که نمیتواند دخالت کند ما این کار را کردیم که این وضعیت که در این شهر و سایر شهرها است تکرار نشود لکن اجرائیش که با ما نیست آقا. الا آن به بینید چه خبر است دکان نفت فروشی که الان می آمدم چه خبر است در دکان نانوائی چه خبر است. بروید به بینید از متوفیات چه خبر است در کرمان عرض کنم در يك شهری که ۵۵ هزار جمعیت دارد به بینید در روز چهار پنجاه گوسفند کشته میشود به بنده نوشته بودند که سرخون آنها دعوا است و روزی چند نفر می میرند. بنده می خواهم از آقای نخست وزیر استدعا کنم این که فرمودند گندم می آید به بنادر يك مقداری هم از آن را اختصاص بدهند به کرمان مردم دارند تلف میشوند و می میرند آقا عرض کنم خدمت شما اینها عرایضی بود که بنده یادداشت کرده بودم بعرض برسانم يك موضوع دیگر این است که در تمام شهرها دو جور نان است الان در خراسان در کرمان دو جور نان است و در جاهائی که بنده اطلاع دارم يك قسم نانی است که دولت میدهد و نان خوبی نیست و جو دارد ارزن دارد و يك قسم نان هم میزند که گندم خالص است و يك من دو تومان اشخاصی که وسعت دارند میروند و میخرند الا تهران که این را مانع میشوند و نمیگذارند اگر بخوایم يك من نان آزاد بخریم نمیگذارند. این را که عرض میکنم بجان شما يك بسته از کرمان برای من فرستاده بودند خوردلی هم نبود يك طاقه شال کرمانی بود رفتم به پستخانه بگیرم گفتند

باید وزارت خواربار اجازه بدهد. رفتم وزارت خواربار گفتمند باید منع احتکار اجازه بدهد. يك ماه معطل کردند که بالاخره بنده از آن گذشتم. آقا نمیگذارند برای چه؟ بگذارید که هر کس هر چه میخواهد خوراکی وارد این شهر بکند بگذارید بیاید آقا حالا يك طاقه شال کرمانی بیاید و ندهند اما خوراکی را بگذارید وارد شود. این بود عرایض بنده و تذکرات که بنده لازم دانستم عرض کنم البته ما امیدواریم که دولت حاضر تذکراتی که آقایان میدهند و اطلاعاتی که دارند با کمال جدیت تعقیب بکنند و این مصائب را از پیش بردارند و ما هم بتوانیم کمک می کنیم. نخست وزیر - (آقای سهیلی) همانطوری که عرض کردم البته این تذکرات همه بموقع و بجای و مورد توجه کامل بنده و همکارانم خواهد بود. خیلی هم لازم است و چه بسا مطالبی بود که حقیقتاً شاید ما متوجه نشده بودیم و در اینجا متوجه شده ایم و البته در اصلاح آنها خواهیم کوشید و سعی خواهیم کرد که مطابق منظور عمل شود. این يك موضوع موضوع دیگری که بنده لازم دانستم چند کلمه در اطراف آن توضیح بدهم موضوع آمریکائیا بود که صبح در این بابت يك مذاکراتی شد و بنده لازم دانستم يك تحقیقات بیشتری کنم و به بینم که سابقه عمل چه بوده. و چه اقدامی شده و نتیجه ای که بدست آوردم با اطلاع آقایان برسانم اینک خلاصه گزارش وزارت امور خارجه این است که بعرض میرسانم بمناسبت نظری که دولت آمریکا در بابت اعزام افراد مسلح بایران اتخاذ نموده بود و اظهار میشد که این اقدام اصولاً از لحاظ انجام تعلیماتی برای تسریع در کار حمل و نقل بوسیله راه آهن ایران ضرورت دارد دولت ایران باستناد منشور انلانتیک و کلیه اصول دمو کراسی که مبنای سیاست دولت آمریکا را تشکیل میدهد همواره مسلم میدانسته است که دولت آمریکا هیچوجه اقدامی را که منافق با استقلال و تمامیت ایران باشد بعمل نمی آورد برای اینکه اعزام این نیرو بایران بمقررات منشور انلانتیک و بموافقت دولت ایران که مبتنی بر فرار داد مرضی الطرفین بشود مستند

باشد از دولت آمریکا تقاضا کرد که قرارداد در این باب منعقد شود و در این خصوص بدولت آمریکا مراجعه شده از سفارت شاهنشاهی در واشنگتن پاسخی رسیده دائر براینکه دولت آمریکا اصولاً بانظر دولت شاهنشاهی در اینجا که باید صورتی باینکار داده شود موافق هستند و بهمین جهت در صدد تهیه طرحی برای موافقت نامه بین دولت ایران و آمریکا در این موضوع میباشد حال مایه امیدواریم بزودی این طرح حاضر و موافقت نامه منعقد گردد.

هاشمی - بسیار خوب است.

نخست وزیر - در میان فرمایشانی که شد و آقای مؤید احمدی هم فرمودند مسئله پیش خرید بود این را بنده اقدام کردم با آقای وزیر دادگستری هم مذاکره کردم بخشنامه بدهند بتمام مأمورین و دفاتر ثبت اسناد که بهیچوجه این موضوع و این معاملات را ثبت نکنند آنچه هم که ثبت شده است البته بایستی ترتیبی داده شود تا ملغی الاثر شود. (بعضی از نمایندگان - باید يك قانون باشد) دیگر بنده عرایضی بیش از این ندارم و همینطور که عرض کردم تمام مذاکرات آقایان را یادداشت کردم و نظریاتی که آقایان فرمودند و تذکراتی که دادند البته به وزارتخانه های مربوطه داده میشود و اقدام خواهد شد و امیدواریم در آتی نتیجه آنها بعرض آقایان نمایندگان محترم برسد. (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - کافی است کافی است.

اوحدی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات (بعضی از نمایندگان - رأی رأی) اگر بنا بر کفایت مذاکرات بود که بایستی قبل از ظهر که گفتند مذاکرات کافی است مجلس

روی همان مذاکرات کافی است رأی بدهد. وقتی که مجلس قبول کرد که نمایندگان عرایض خودشان را بادولت بکنند و ارائه طریق بکنند مجلس نمیتواند بعد از آن دیگر مذاکرات را کافی بداند. (همه نمایندگان - مجلس میتواند).

بعضی از نمایندگان - رأی رأی.

رئیس - اولاً این ایراد شما وارد نیست که مجلس نمیتواند و این وارد نیست مجلس وقتی لازم دید که مذاکرات کافی باشد میتواند رأی بدهد هر نوع که دلش بخواهد و برای مجلس کافی خواهد بود (صحیح است) آقایانی که موافقت دارند که مذاکرات کافی است برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

رأی گرفته میشود به برنامه دولت موافقین وره سفید خواهند داد.

(اخذ آراء بعمل آمد ۸۹ اوراق رأی و ۲ وره سفید شماره شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۹۹ نفر بر نامه دولت با ۸۹ رأی تصویب شد.

۵ - تصویب گزارش کمیسیون بودجه و خارجه و فرهنگ راجع بتجدید استخدام آقای پروفیسور ابرین.

رئیس - بعضی از آقایان پیشنهاد می کنند که قرارداد استخدام پروفیسور ابرین مطرح شود (صحیح است) گزارش کمیسیون بودجه خوانده میشود. گزارش از کمیسیون بودجه: کمیسیون بودجه لایحه شماره ۴۷۶۳۹ دولت راجع به تجدید استخدام آقای پروفیسور شارل ابرین را مطرح نموده با پیشنهاد دولت موافقت و اینک گزارش آنرا که عین ماده

واحد پیشنهادی است تقدیم میدارد.

رئیس - گزارش کمیسیون امور خارجه:

گزارش از کمیسیون امور خارجه: کمیسیون امور خارجه لایحه شماره ۴۷۶۳۹/۲۹۴۸۵ دولت راجع بتجدید استخدام آقای پروفیسور شارل ابرین تابع دولت فرانسه را مورد شور قرار داده از نقطه نظر تابعیت با استخدام ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن تقدیم میشود.

رئیس - گزارش کمیسیون فرهنگ:

گزارش از کمیسیون فرهنگ: کمیسیون فرهنگ لایحه شماره ۴۷۶۳۹/۲۹۴۸۵ دولت راجع با استخدام آقای پروفیسور ابرین را مورد شور و مطالعه قرار داده و بلایحه نامبرده موافقت نموده اینک گزارش آن تقدیم بمجلس شورای ملی میگردد.

رئیس - عین ماده واحد پیشنهادی خوانده میشود.

ماده واحد - وزارت فرهنگ مجاز است قرارداد استخدامی آقای پروفیسور شارل ابرین را برای مدت دو سال با شرایطی که در قانون نهم بهمن ماه ۱۳۱۸ راجع با استخدام ایشان بتصویب رسیده است تمدید یا تجدید نماید.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - خدمات و سوابق پروفیسور ابرین بر همه ماها پوشیده نیست و ایشان بعقیده بنده خدمت خودشان را بخوبی انجام داده اند و معلوم است که در گذشته خوب انجام داده اند و تجدید کنترات ایشان هم دلیل بر این است که در گذشته خوب توانسته است انجام وظیفه کند (صحیح است) البته همینطور هم انتظار داشتیم چون ایشان از آن مردم خیلی وظیفه شناس هستند و وظیفه خود را بخوبی انجام میدهند موضوعی را که بنده خواستم یاد آور شوم تهیه بودجه برای سال آتی که نزدیک است میباشد و مطلب دیگری که میخواستم عرض کنم این است که در سال آتی (آقای دکتر سیاسی وزیر فرهنگ هم سابقه دارند) خطاب بنده به آقای صالح وزیر دارائی است در این موقع که بودجه تدوین میشود باید يك مساعدت بیشتری و يك اعتبار بیشتری در

نظر بگیرند که قسمت دانشکده پزشکی توسعه بیشتری پیدا کند. بیاد داشته باشید چند نفر از کمیسیون بودجه آمدیم در وزارت فرهنگ در آنجا يك عده زیادی داوطلب ورود به دانشکده پزشکی بودند و توضیحاتی که آقای دکتر امیراعلم دادند فرمودند که جادرسالن تشریح کافی نیست و باید يك اعتباری در بودجه سال آتی پیش بینی شود که ما بتوانیم شاگردان بیشتری در آنجا قبول کنیم. تصور میکنم موضوع بهداشت و بهداری هم جای بحث نیست چون ما متأسفانه طبیب کافی نداریم. بنده یاد دارم موقعی که آقای نخست وزیر وزیر کشور بودند در همین موضوع در کمیسیون بودجه ایشان توضیحاتی دادند و من خاطر هست که صورتی که از تمام کشور آورده بودند در کمیسیون خاطر میآید که شاید در حدود چهار صد و خورده ای بود و فرمودند در کرمان چون در آنجا استاندار بودم يك ایالت باین پهناوری فقط چهار نفر طبیب دیپلمه دارد در این موقع که بودجه سال آتی تهیه میشود بنده خواستم استدعا کنم از آقای نخست وزیر و آقای وزیر دارائی و از هیئت دولت که باین امر حیاتی يك توجه بیشتری بفرمایند و از هر جا شده يك اعتبارات زیادتری برای توسعه دانشکده پزشکی پیش بینی کنند زیرا مملکت ما خیلی بیشتر از این احتیاج به طبیب دارد متأسفانه یکی از آقایان در خاطر هست در برنامه دولت تذکراتی راجع به نبودن بهداشت و نبودن طبیب در ولایات دادند، البته هیچ شك و تردیدی نیست که اصل رسیدن باین منظور قضیه طبیب است و اگر دانشکده مان ترتیب پیدا کند یعنی دانشکده پزشکی البته این منظور بهتر عملی میشود. این است که استدعا میکنم برای این موضوعی که مورد توجه همه است دولت حاضر يك قدمهای اساسی بردارد و این رشته حیاتی را تقویت کند که ما بتوانیم در سالهای بعد يك عده بیشتری طبیب از دانشکده بیرون بیاوریم که بولایات فرستاده شود.

رئیس - آقای دکتر طاهری موافقت میکند؟

دکتر طاهری - بنده موافقم ولی يك تذکری دارم.

اسامی رأی دهندگان: آقایان: اعتبار - مرتضی قلی بیات - عراقی - ملک مدنی - نمازی - مشار - اورنگ - افشار - نیک پور - تولیت - معینی - امامی - فرمانفرمایان - محیط لاریجانی - رضوی - صفوی - گرگانی - ذوالقدر - گودرزیا - معذل - مسعودی - مکرم - افشار - دهستانی - پناهی - مخبر فرمند - لبقوانی - نواب یزدی - دکتر تاج بخش - رحمت سمعی - تهرانچی - دکتر طاهری - امیر تیمور - مجید موفر - ناصری - هراز - انوار - دکتر سنگ - فریدونی - اسکندر مقدم - معتمد سنگ - مستشار - جعفر اصفهانی - پالیزی - گلرونیان - یار احمدی - مهدوی - سزاوار - جهانشاهی - منشور - دکتر فنی - مؤید ثابتی - ثقة الاسلامی - فرخ - دکتر ملک زاده - خلیل حریری - منصف - ابراهیم سمعی - حسنعلی دولتشاهی - یار سا - هزه تاش - شیرازی - نقابت - هاشمی - ساکینیان - اقبال - هدایت الله پالیزی - ملابری - اکبر - معتضدی - عزیزی - اصفهانیان - طوسی - خسرو شاهی - شاهرودی - یمن اسفندیاری - صفاری - ملک زاده آملی - فتوحی - فرشی - رفیعی - ریگی - بوداغبان - مهذب - جلیلی - دکتر نهورای - جلالی - اردبیلی - گبو - دکتر ضیاء - وره سفید بدون امضاء - ۳ رأی

روحی - پس صبر کنید بعد از يك مخالف .

دکتر طاهری - بنده موافق هستم با ماده واحده ولی این عبارتی که نوشته شده برای اجازه تجدید استخدام پرفسور ابرلین که واقعاً از مستخدمینی بود که خدمت مهمی کرد برای دانشکده پزشکی و تجدید استخدام ایشان هم هم بمنظور قردادانی ایشان است لیکن خیلی مبهم و گنگ نوشته شده است و بنده هم اتفاقاً در آن روز در کمیسیون بودجه نبودم که اصلاح کنم از چیزهایی که در لوایح استخدامی مستخدمین خارجی بایست مجلس شور بکنند یکی مدت استخدام است و مدت استخدام هم ابتدا و انتهای لازم دارد اینجا در لایحه نوشته شده که استخدام پرفسور ابرلین را تمدید و تجدید بکنند . معنی تجدید عبارت از این است که وقتی مدت خدمت تمام شد بعد استخدام شروع میشود تمدید عبارت از آن است که اگر فاصله پیدا نشد از نو شروع شود . بنده حالا استدعا میکنم از آقای وزیر فرهنگ که استخدام ایشان چون در شهر یور خانه یافته و ایشان اینجا بودند از این جهت استخدام ایشان باید تجدید شود . بنا بر این کلمه تمدید را بردارند و بنویسند استخدامش تجدید میشود البته مدت استخدامشان از موقع ورود به ایران است این را حالا پیشنهاد میکنم .

وزیر فرهنگ (آقای دکتر سیاسی) - این دو کلمه تمدید و تجدید که در اینجا ذکر شده است اتفاقاً در کمیسیون فرهنگ که خود آقای دکتر طاهری تشریف داشتند همین اظهار را کردند و تمدید را حذف کردند و بنده موافقت کردم با حذف آن چون البته تجدید میشود استخدام ایشان و اما مبدأ استخدام او هم روزی است که تصویب می شود . قرارداد او هم تصویب است و بعضی اینکه تصویب شد حکمت خواهد نمود . (صحیح است)

رئیس - آقای دشتی :

دشتی - بنده موافقم .

رئیس - آقای دکتر سنگ (دکتر سنگ) بنده موافقم . آقای اورنگ (اورنگ - موافقم) آقای امیر تیمور

امیر تیمور - همانطور که همکار محترم بنده آقای ملک مدنی اظهار نمودند پرفسور ابرلین از اشخاصی است که حقیقاً با صداقت خدمت کرده است و توانسته است که جلب رضایت وزارت متبوعه و کشور ما را بکند . البته این تجدید استخدام هم صرفاً از نظر قردادانی است که يك شخص خارجی که در ایران خدمت کرده است استخدام او را تجدید کنیم . (صحیح است)

رئیس - آقای یمین اسفندیاری .

یمین اسفندیاری - بنده موافقم .

رئیس - آقای افشار .

افشار - موافقم .

رئیس - آقای رضوی .

رضوی - البته استدعا دارم آقای پرفسور ابرلین که اغلب از آقایان هم مذاکره فرمودند و آقایانی هم که مذاکره نفرمودند معلوم شد موافق هستند . حاکی از قردادانی نسبت به يك مستخدمی که با صداقت انجام وظیفه نموده است و از زحمات و از عملیاتش رضایت داریم و بهیچوجه هم در تمام دوره خدمتش از هیچ يك از مراحل کلی که تماس داشت کلمه ای که حاکی از عدم رضایت باشد از او شنیده نشده است ولی عرضی که بنده داشتم این بود که چون در ماه اسفند موقع تقدیم بودجه ها است و دارند بودجه را می آورند بنده خواستم از فرصت استفاده کنم و از آقای وزیر فرهنگ استدعا کنم که در سال حاضر بموجب وعده که شده بود قرار بود يك دانشکده پزشکی در بعضی از ایالات منجمله در فارس تشکیل شود که احتیاج و ضرورت بسیاری بر طرف شود با نظیری که راجع به اضافه کردن بودجه های بهداشتی برای امسال هست و با نبودن پزشک معالج بخصوص در دهات و قراء و قصبات وضعیت آنها در خطر است . عرض کنم باید يك خدمتی بکنیم که باین وسیله بتوانیم افرادی که در محل مهیا از برای درس خواندن هستند و نمی توانند از برای سختی و گرانی معیشت شان به تهران بیایند آنها وسیله تحصیلشان فراهم شود و دیگر اینکه همانطور که وعده شده

بود ایالات هم از بودجه بیشتر برخوردار شوند و استفاده بیشتری از این راه برای آنها قرار بدهند .

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در این موقع خواستم يك تذکری مخصوصاً به هیئت محترم دولت راجع به خارجی های روزمزد عرض کنم . این طرز طرز خوبی نیست آقا اگر مستخدمین خارجی مستخدم ایران هستند که بایستی لایحه استخدام آنها بیاید به مجلس و صلاحیت آنان در کمیسیون امور خارجه محرز شود (کنترات بشوند و اگر غیر از این باشد معلوم میشود اینها صلاحیت ندارند اگر يك آدم روزمزدی است و صلاحیت ندارد نباید استخدام شود) .

افشار - این مربوط به ابرلین نیست و او روزمزد نیست .

روحی - آقا صحبت ابرلین نیست بنده کاملاً با ایشان موافقم آقا خوب گوش بدهید بعد حرف بزنید توجه نمیکنید بعد میگوئید صحبت ابرلین است . صحبت از مستخدمین روزمزد خارجی است مخصوصاً بدولت تذکر میدهم که این قسمت را موافقت بکنند اگر يك خارجی است بیاورند یکسال یا دو سال استخدام بکنند و هویت او را مجلس تصدیق کند و صلاحیت او را هم قبول کند آن وقت حقوقی بهش بدهیم . و اگر غیر از این باشد معلوم نیست چه مسئولیتی دارد و اگر پس فردا يك کار خلافی از او سرزد مسئولیتش معلوم نیست با کجا است در صورتیکه دولت در مقابل مجلس مسئول است پس باید باین کار ترتیبی بدهند .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم البته بروز این احساسات از طرف آقایان نمایندگان محترم بد نبود پرفسور ابرلین يك سر مشقی است برای تمام مستخدمین خارجی ما که چون مورد توجه نمایندگان مجلس است امیدواریم که آنها هم سعی بکنند همین وضعیت را احراز بکنند نکته ای را که آقای روحی

فرمودند این ارتباط دارد به قانون بودجه دوره ششم و متمم بودجه که در ماده ۲۵ است . خیال میکنم بدولت اجازه داده شده است که مستخدمین خارجی را لدی الاقتضا بطور روزمزد استخدام بکنند

روحی - مال راه آهن بود مال عملیات راه آهن بود سوء استفاده شده .

اعتبار - البته در آن موقع دلایلی بود که دولت این اختیار را لازم میدانست و همانطور که فرمودند مربوط به موضوع راه آهن بود که يك مستخدمینی را احتیاج داشتند که نمیتوانستند قرارداد آنها را به مجلس بیاورند ولی امروز بنظر بنده آن قسمت مرتفع شده و البته دولت بایستی توجه بکند در قانون متمم بودجه که مربوط بسال ۱۳۰۵ میباشد و ماده ۲۵ آن مربوط باین امر است آنرا الغاء بکنند و بعد به بهترین صورت عمل کنند البته دولت میتواند هر مستخدم خارجی را استخدام بکند ولی بایستی مطابق قانون اساسی لایحه استخدام او را به مجلس شورای ملی تقدیم کند و ما هم در کمیسیون این تصمیم را داشتیم و این تصمیم را هم کمیسیون گرفته است و البته هر لایحه ای که مطابق این نظر باشد و از طرف دولت پیشنهاد شود مورد موافقت است و این را خواستم مخصوصاً عرض کنم که این نظر بوده است و انشاء الله عمل خواهد شد (صحیح است)

رئیس - آقای معدل فرمایشی داشتید ؟

معدل - عرضی ندارم .

رئیس - آقایانیکه موافقت با قرارداد ...

ملک مدنی - اجازه بفرمائید تذکری که آقای دکتر طاهری دادند وارد بود باید کلمه تمدید حذف شود

رئیس - آقایانیکه موافقت دارند با قرارداد آقای پرفسور ابرلین با اصلاحی که شد و آقای وزیر فرهنگ هم قبول کردند ورقه سفید خواهند داد .

(اجتذ آراء بمعمل آمده ۸۴ ورقه رأی شماره شد)
رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۹۲ نفر پیشنهاد دولت با کثرت ۸۴ رأی تصویب شد.

رئیس - آقای نخست وزیر فرمایشی دارید؟
نخست وزیر - بنده با اجازه از همکاران خودم خواستم سپاسگذاری و تشکر کنم از آقایانیکه با ورقه سفید اظهار اعتماد بدولت کردند و امیدواریم با تائیدات الهی و توجهات و مساعدت ها و کمک های آقایان نمایندگان محترم در انجام خدماتی که بما رجوع شده است توفیق حاصل شود.

وزیر دارائی - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است دوره قانونی دیوان محاسبات مدتی است خاتمه یافته و در این قسمت

بی تکلیف هستیم اینست که خواهش میکنم که نظر مجلس راجع باعضای جدید زودتر اعلام شود.

چند نفر از نمایندگان - بماند برای اول جلسه آینده
[۶ - موقع و دستور جلسه آتیه - ختم جلسه]

رئیس - در جلسه آتیه تمام میشود. اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتیه روز پنجشنبه ۶ اسفندماه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم لوایح موجوده.

(مجلس ۶ ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

تصمیم قانونی

دائر بابر از رأی اعتماد به کابینه آقای سبیلی نخست وزیر

مجلس شورای ملی در جلسه دوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و بیست و یک برنامه کابینه آقای علی سبیلی نخست وزیر را با کثرت عده حاضر (۸۹ رأی از ۹۹ نفر عده حاضر) تصویب و در نتیجه به کابینه نامبرده ابراز رأی اعتماد نموده است.

این تصمیم در جلسه دوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه تجدید استخدام آقای پروفیسور شارل ابرلین

ماده واحده - وزارت فرهنگ مجاز است قرارداد استخدامی آقای پروفیسور شارل ابرلین را برای مدت دو سال

با شرایطی که در قانون نهم بهمن ماه ۱۳۱۸ راجع با استخدام ایشان بتصویب رسیده است تجدید نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه دوم اسفند ماه یکهزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

ملی رسید.

اسامی رأی دهندگان - آقایان: نراقی - افشار - موقر - اقبال - ملک مدنی - معدل - گرگانی - مهدوی - اورنگ - نمازی - جلیلی - پویا - کلارونیان - عبدالعزیز - معینی - مکرّم افشار - محمود ناصری - احمد بهبهانی - بدین اسفندیاری - جلائی - دکتر طاهری - روحی - لاریجانی - اعتبار - ذوالقدر - بقوانی - امامی - مؤید امدی - نائینی - مهلب - هدایت الله پالیزی - فرخ - دکتر سنگ - فرمانفرمایان - رضوی - معتمد سنگ - تاج بخش - فیاض - پالیزی - شیرازی - حمزه تاش - ثقة الاسلامی - ملک زاده آملی - بوداغبان - اردبیلی - مسعودی - باواحدی - اسکندر مقدم - داور - سزاوار - عطاء الله بهیمی - دکتر لقمان - احمد جفاوی - دکتر ملک زاده - ممتضدی - فتوحی - وفیمی - یار سا - تولیت - ساکینیان - شاهرودی - هدایت - خسرو شاه - ابراهیم سبیلی - جعفر اصفهانی - رحمت سبیلی - اصفهانیان - علی دشتی - دکتر قزل اباغ - گیو - منشور - گودرز نیا - دهستانی - ملایری - مؤید تابتی - نواب زردی - ریگی - عزیز - هاشمی - فرشی - دکتر ضیاء - لاریجانی - نصف - امیر تهور.